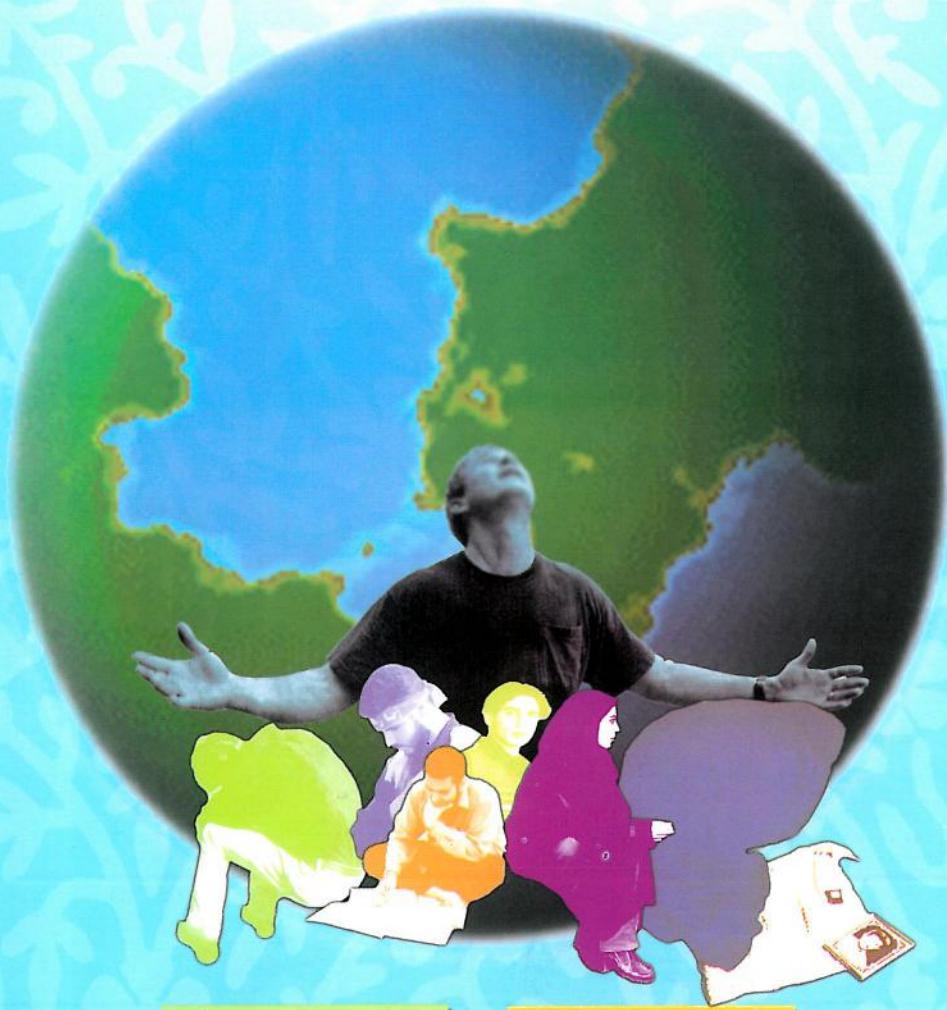




گامی نو در عرصه امامت و مهدویت
شماره هفتم /مهر و آبان ۱۳۸۶
قیمت ۴۰۰ تومان



امام مهدی(عج) در قرآن

عشق غایبانه

آیت الله بهجهت تکذیب کرد !!

حکومت جهانی
حضرت مهدی(عج)

BBC برضد مهدویت

اعجاز قرآن و مسلمان شدن پروفسور نویوکوف

می آید از رود مرد را
او که بگانه ده عالم نیست است
برق های شرخونه های هفت
عدمه بر سر محظوظ پیغمبر (ص)
در بازداشت نژاد پسر جهاد





از آمن نا هل آن رض ...

- | | | |
|--|--|--|
| <p>۳۸.. عشق غاییانه /</p> <p>۴۰.. اعجاز قرآن و پروفوسور نبیو کوفا /</p> <p>۴۱.. ویروس طلب کاری /</p> <p>۴۲.. خودمانی /</p> <p>۴۴.. اخبار مهدویت /</p> <p>۴۷.. مسابقه /</p> <p>۴۸.. مشترکین /</p> | <p>۱۸.. وقتی بیاید /</p> <p>۲۰.. مردی برای صدها سال /</p> <p>۲۱.. رمضان و دولت کریمه /</p> <p>۲۴.. شهر آرزو /</p> <p>۲۶.. بی بی سی علیه مهدویت /</p> <p>۲۸.. کریمه اهل بیت علیهم السلام امام زمان /</p> <p>۴۷.. جدول /</p> | <p>۲.. سر مقاله /</p> <p>۳.. آیینه دعا /</p> <p>۴.. مهدی در قرآن /</p> <p>۶.. حکومت شایستگان /</p> <p>۸.. مسجد کوفه ... /</p> <p>۱۰.. نیاز به مهدی در آیینه شب قدر /</p> <p>۱۱.. امام عصر ناظر بر اعمال /</p> <p>۱۲.. شبی چون صبح نورانی /</p> <p>۱۴.. بررسی و نقدهای قدما /</p> <p>۱۶.. تفسیری که به توصیه امام زمان نوشته شد /</p> |
| | | |
| | | |
| | | |

مدیر مسئول: مجتبی کلیاسی

سردییر: محمد صابر جعفری

مدیر اجرایی: سید محمد موسوی

طراح: هاشم چنگیزی ورزنه

واژه‌نگار: سید مصطفی موسوی پور



با کوشش شورای نویسندگان و تشکر از مهدی یاوران ذیل:
جود اصحابیان درجه، حامد اسلام چو، نصرت الله ایتی، غلام رضا پهروز لک، حجت حیدری چراتی، علی حیدری، حسین دهقان، علی محمد رایگان، علی اصغر رضایی، محمود رفیعی، ر. سیهی، سید علیرضا سجادپور، خدا مراد سلمان، محمد صرفی، روح الله علی بیاری، محمد عمرانی، حسین عباسی، رحیم کارگر، محمัดصادق کفیل، محمد جواد کمار، علی مصلحی، محمد رضا نصویری، محمد مهدی پلاروی، مهدی یوسفیان و هادی بابایی، محسن رحیمی، روح الله تاریبوردی، نور الله نوری، غلامعلی حیدری، عباس ضیائی، عباس نیکزاد، علی رضایی، حسن رفیعی، سید محمد کاظم خرسان، عظیم اشنا و تمام اثانی که به نوعی یاری گرما بودند.

نشانی: قم، خ شهدا، کوچه آمار، بین بست شهید علیان، پلاک ۲۴ / مرکز تخصصی مهدویت، صندوق پستی: ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵ - نشریه امان

تلفنکس: ۰۳۵۲۵۰۰ - ۰۷۸۲۲۵۰۰ فاكس: ۰۳۵۳۴۰ - ۰۷۷۷۱۶۰

مراکز پخش: قم، مرکز تخصصی مهدویت، تلفن: ۰۷۷۷۱۶۰، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تلفن: ۰۷۵۳۳۴۰

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)، تلفن: ۰۷۷۷۱۶۰، فروشگاه جمکران، تلفن: ۰۷۷۹۰۳۸۱۲-۳

تبریز: ۰۴۱۱۰۵۳۰۵۰۱، ارومیه: ۰۴۴۱۲۲۰۵۱۲، اصفهان: ۰۳۵۰۵۱۱۵، مشهد: ۰۵۱۱۲۲۰۹۷۶۲

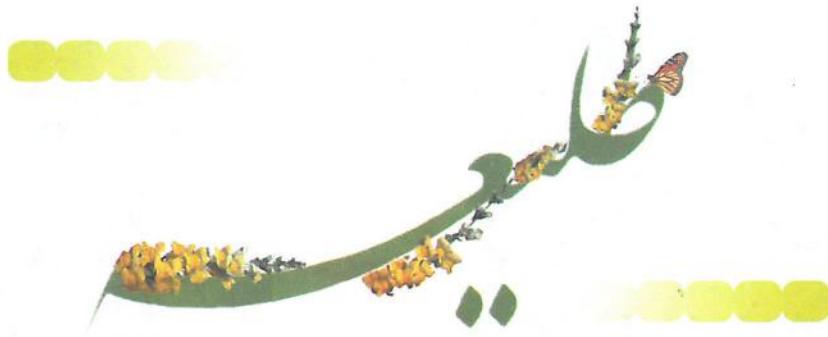
کرمان: ۰۳۴۱۲۲۲۳۳۷، آبادان: ۰۳۱۱۱۱۱۱، خرم آباد: ۰۶۳۱۲۲۳۰۸۹۷، رشت: ۰۳۱۶۶۶۹۰۵۰

شیراز: ۰۷۱۱۲۲۴۹۳۰۰

می خواهیم نشریه ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیاز و ... فقط ویژه امام زمان (ع) آن که سست و بی پایه نباشد. زیبا و

شایسته برای همه علاقمندان به ساحت مقدس امام زمان (ع) پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگر تان هستیم.





پاسخ امیر المؤمنین علیه السلام، برترین اعمال این ماه را دوری از گناهان و تقوای بیان فرموده: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَزِيعُ عَنْ مَحَايِرِ اللَّهِ»^۱ و متظر می داند که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دوست دارد یاور امام عصر علیه السلام خود باشد، متظر باشد و اهل ورع تقوی و اخلاق و سجایای نیک.^۲

گویا رمضان که روزه اش برای کسب تقوی و مصونیت است^۳ (يا آئُهَا الَّذِينَ آتَيْنَا كُتُبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامَ كَمَا كُتُبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ تَتَّقَوْنَ)^۴ مدرسه‌ای است و آغاز و تمربیتی است برای انتظار و تقوای متظر. رمضان و تلاش برای میهمانی سفره الهی، عید فطر به ثمر می نشیند، روزی که به فرموده پیامبر گرامی اسلام علیه السلام یوْمُ الْجَوَافِرَ است، روز پاداش و روز حسرت است، پاداش آنانی که از فرصت ها، شبها، روزها و نفسها استفاده کردند و حسرت برای آنان که به غفلت گذرانده و تقوی و ورع را فراموش کردند. عید فطر یادآور لحظه ظهور است که مخلصان و مجاهدانی که در دوران غیبت به وظایف خود عمل کردند تلاش گر بوده و پنهان و آشکارا یاریگر دین بوده «الذَّاغَةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سَرًّا وَ جَهْرًا»^۵ و زمینه ساز ظهور بودند «فَيُوَظَّفُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»^۶ از سراسر دنیا به محضر و خدمت امام می رستند. و آنانی که در غفلت بوده اند، یا یاوران درجه چندم اند یا خدای نکرده ...، اهل حسرتند.

رمضان آغاز مدرسه و تحصیل تقواست و متظر از این فرصت به خوبی مدد می جوید تابیت، علم و عمل خود را تعالی بخشید. رمضان تذکری است که اگر تقوای فردی و اجتماعی مراعات نشود و ندانی امامت از تو چه می خواهد، امام در غربت خود خواهد ماند، چون علیه السلام که در غربت محراب خود به تبع مظلومیت سپرده شد و همچون مهدی علیه السلام که به غم غیبت واگذار گشت.

سر دبیر

رمضان که شروع می شود، ناخوداگاه خود را در مدرسه انتظار می بینی بعد از هر نماز و هر فریضه ای برای ظهور دعا می کنی «اللَّهُمَّ أَذْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُوْرِ السَّرُورَ اللَّهُمَّ أَعْنِ كُلَّ فَقِيرٍ وَ...»^۷ و...؛ حل همه مشکلات، شفای همه بیماران، بی نیازی همه نا حق گرفنگان و اسیران و...، همه و همه تحقیق هنگام ظهور است گویا پس از هر نمازی، تو عهد خود را با امامت تجدید می کنی.

(«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۸ ماه قران مگر می شود از عترت جدا باشد که پیامبر علیه السلام فرمود: قران و عترت جدای ناپذیرند «إِنَّى تَارِكَ فِيْكُمُ الْقُرْآنَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتَرْتَى أَهْلَ بَيْتِيِّ وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقاَ»^۹ لذا وقتی از قران سخن می گویی، قران تلاوت می کنی، در تدبیر آن به عترت می رسی ، پس از هر نماز دعا یشان می کنی. پس از افطارها دعای افتتاح می خوانی. به خدا از دوری امام شکوه می کنی «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقدْ نَبَيَّنَا وَ عَيْنَةً إِمَامَنَا وَ...»^{۱۰} خدایا به تو شکوه می کنم، جدایی از پیامبر علیه السلام، غیبت ولی امر ما، دشمنان بسیار و فته گری های زیاد آنان و اندک بودن یاران.

شب ها در دعای افتتاح، از خدا به دست مهدی علیه السلام نجات و سعادت دنیا و آخرت می طلبی. دولت کریمای آرزو می کنی که اسلام و اهل آن عزیز گردند و نفاق و منافقان نابود گردند. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَأْتُرُ عَبْدَ إِلَيْكَ فِي دُولَةِ كَرِيمَتِهِ وَ...»^{۱۱} رمضان، مدرسه انتظار است، و تو به شوق شب قدر عبادت می کنی، شبی که همه در محضر ولی خدایند. فرشتگان به خدمتش تشرف حضور می یابند «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذُنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أُثْرٍ»^{۱۲} و تو در شب قدر که شب نزول قرآن است، شب حضور فرشتگان نزد حجت خدا و امام زمان علیه السلام است... باز در می بازی که رازهایی در شب قدر است. شب قدر قرآن به سر می گیری و خدا را به امام عصر سوگند می دهی و به محضر او سلام می کنی «سَلَامٌ هِيَ خَشِّي مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^{۱۳} و برایش دعای سلامت می خوانی «اللَّهُمَّ كُنْ لَوِيْكَ الْحَجَّةُ ابْنَ الْحَسَنِ»^{۱۴} و به حق قرآن برای ولیت دعا می کنی.

رمضان مدرسه انتظار است که پیامبر در خطبه آخرین جمعه شعبان در

۱- دعای بعد از هر نماز ماه رمضان مقاین الجنان.

۲- بقره: ۱۸۵.

۳- مستدرک الوسائل بج ۷ ص ۲۵۴.

۴- تهذیب الأحكام بج ۳ ص ۱۰: دعای افتتاح.

۵- همان.

۶- عذر: ۶.

۷- مقاین الجنان، اعمال ش ۲۳ ماه رمضان.

۸- بحار الانوار ب ۹ ص ۲۵۶.

۹- القیمة: نعمانی ص ۰۰۰.

۱۰- بقره: ۱۸۳.

۱۱- اتحاج ب ۲ ص ۳۱۷.

۱۲- کشف الغمة: رطبی ب ۲ ص ۴۷۷.



... ليلة القدر خير من ألف شهر * تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل أمر...

الله ! ماه رمضان بوی یار می دهد. در این ماه چشممان را به جمالش روشن گردان!

بارالها ! در این ماه شبی است برتر از هزار ماه. این برتری به جهت ارتباطی است که با خلیفه تو بر روی زمین دارد؛

چرا که در آن فرشتگان بر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل می گردند و سرنوشت مردمان را تعیین و به امضای آن حضرت می رسانند.

در این شب ناممان را در جمله صالحان و مصلحان ثبت و ضبط فرمای! آنانی که نه تنها پس از ظهور به یاری حضرت می شتابند؛ بلکه قبل از آن نیز با دل و زبان و در عمل یار اویند و هر لحظه عمرشان با یاد و نام و در مسیر او سپری می شود؛ چرا که لحظات عمرمان سرشار از نعماتی است که به برکت وجود آن عزیز بر ما ارزانی داشته ای و آفات و بلایای فراوانی را به برکت دعای آن بزرگوار از ما دور کرده ای.

لطیف! در ماهی که تیمار کننده یتیمان کوفه، جد مظلوم امام زمان، حضرت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به شهادت رسید؛ سرپرست ما را برسان، تا تکفل این امت را بی پرده در دست گیرد.

عزیزا! به برکت ولادت امامی که با صلح مظلومانه خویش از عزت دینت دفاع کرد، امنیت و صلح را به یمن حکومت

عالی گستر منجی بشریت بر جهان آشفته و ملتنهب ما مستقر ساز!

اما نه سازشی از سر مصلحت و بی وفایی یاران؛ بلکه آرامش و سکونی بر مبنای اقتدار و از موضع قدرت؛ که ظالمان و مستکبران احساس زیونی و نامنی کنند و مؤمنان و مستضعفان درساخه آن به آرامشی پایدار رستند؛ تا صالحان بتوانند با فراغ خاطر به اصلاح امور جامعه بپردازنند و تمام همت خویش را در جهت پرورش انسان‌های شایسته به کار گیرند. همان فضای مساعدی که آرزوی تمام انبیاء، اوصیا و مصلحان تاریخ بوده است؛ که در آن همت و سرمایه انسان‌ها در جهت تعالی انسانیت به کار گرفته شود؛ نه در جهت تخریب و تحمیق مردم و استثمار آنان، برای تامین مطامع صاحبان زر و زور و تزویر.

شاهد!! تو شاهدی که ما به این وضع اسف بار دنیا راضی نیستیم و این همه ظلم و فساد را بر نعی تاییم؛ از این رو است

که مورد هجوم همه اصحاب کفر و فسق و نفاق قرار گرفته ایم.

تو خود ما را در راهمان یاری ده و امام غاییمان را برای رهبریمان بفرست!

معبدنا! در این ماه شریف تمرين می کنیم تا بندگان شایسته و مطیعی برای تو باشیم و روح و جسممان را از هر چه

آلودگی است، پاک کنیم. خدايا! تو آن پاکترین را برای یاریمان بفرست.

با تو عهد می بندیم که یاران شایسته‌ای برایش باشیم؛ نه یارانی که در موقع خطر - چون همراهان اجداد طاهریش - پشتش را خالی کنند؛ بلکه با تمام وجود به خدمتش خواهیم شتافت، از او دفاع خواهیم نمود، او امرش را اطاعت خواهیم کرد، در جهت برآوردن خواسته هایش بر یکدیگر سبقت خواهیم گرفت و جان ناقابل خویش را در راهش نثار خواهیم نمود.



در قرآن

سیمک حسین زمانی

آیه اول: آیا می توان زنده بودن امام مهدی^{علیه السلام} را از قرآن استفاده کرد؟

برخی آیه های قرآن کریم، وجود امام و حجت را بر روی زمین می رسانند. یکی از این آیات، آیه چهارم سوره قدر است:

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحُ فِيهَا باذنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ امر﴾
در شب قدر فرشتگان و روح با اجازه پروردگارشان برای هر امری فرود می آیند.

فعل «تنزّل» مضارع است و استمرار و تداوم را می رساند؛ پس هر سال، شب قدر دارد. در شب قدر، فرشتگان و روح نازل می شوند. از طرفی هر انسان، توانایی پذیرش فرشتگان - به ویژه روح که برتر از فرشتگان است - را ندارد و باید انسانی در مرتبه پیامبر گرامی اسلام^{علیه السلام} باشد تا این قابلیت را دارا باشد. اما هم اکنون در شب قدر، فرشتگان و روح بر چه کسی نازل می شونند؟

امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} فرمود:

«شب قدر، در هر سال است و امر سال در آن شب نازل می شود. برای این امر، والیانی پس از رسول خدا وجود دارد.»

ابن عباس پرسید: «اینان چه کسانی هستند؟» فرمود: «من و پسر از نسل و فرزندان من.^۵

آیه دوم: اگر بخواهیم ویژگی های عصر ظهور مهدی امت را به بهترین شکل بیان کنیم، آیه ای بهتر از آیه ۵۵ سوره نور نمی باییم. در این آیه، خداوند به مؤمنان صالح وعده می دهد و وعده او حق و یقینی است.^۶ اما این وعده چیست؟ بهتر است آیه را بخوانیم و وعده های الهی را در آن ببینیم.

.۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۲، ح ۱۱۴.
.۲. مریم: ۱۶.
.۳. مائدہ: ۱۲.
.۴. احزاب: ۳۳؛ آل عمران: ۶۱؛ مائدہ: ۵۵.
.۵. در بیش از بیست آیه قرآن، حق بودن وعده های خداوند و تخلف ناپذیر بودنشان بیان شده است.

امام مهدی

و حجت^{علیهم السلام}

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و عدالت بر باطل و ستم و برپایی تمام ارزش های انسانی به دست مبارک «مهدی»^{علیه السلام} اندیشه ای است که همه گروه های مسلمان، آن را باور دارند؛ زیرا ریشه در قرآن کریم دارد؛ اما چرا نام «مهدی» در قرآن نیامده است؟ آیا اگر نام او می آمد، باور مردم به او عمیق تر نمی شد؟ برای پاسخ به این سؤال، روش های قرآن مجید را در معرفی انسان های خوب و وارسته بیان می کنیم. قرآن برای شناساندن این افراد، از سه راه استفاده کرده است:

راه اول: معرفی با اسم: نخستین راه شناساندن، آوردن اسم شخصیت مورد نظر است؛ مانند: «و ما محمد الا رسول»^{علیه السلام} یا «واذ كر في الكتاب مریم»^{علیها السلام}

راه دوم: معرفی با عدد: شیوه دوم، بیان تعداد افراد خاص است. قرآن نقیابی بنی اسرائیل را با عدد می شناساند؛ مانند: «و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا»^{علیهم السلام}

راه سوم: معرفی با ویژگی و صفت: شناساندن با ویژگی های فرد، بهترین راه معرفی است، زیرا راه را بر سودجویان می بندد. نام جعلی درست کردن آسان است؛ ولی ویژگی های هر فرد، مخصوص او است. همچنین قرآن، از افرادی نام می برد که با آن که پیامبر^{علیه السلام} را کاملاً با نام می شناختند؛ ولی باز او را انکار می کردند. قرآن کریم، اهل بیت را در آیه های تطهیر، مباھله، ولایت^۷... با این روش معرفی کرده است. امام مهدی^{علیه السلام} نیز در قرآن با این روش شناسانده شده است. اینک بررسی چند آیه از آیات مهدویت:

همین سبب مفسر بزرگ قرآن، مرحوم طبرسی رحمه اللہ علیہ در تفسیر این آیه می‌گوید:

چون گسترش دین در سراسر زمین و جهانگیر شدن آئین، از گذشته تا کنون پدیدار نشده است، به یقین، این امر در آینده اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا جهانی شدن دین اسلام، وعده‌ای الهی است و وعده خدا، تخلف پذیر نیست.^۸

امام سجاد علیہ السلام پس از تلاوت آیه فوق فرمود: به خدا سوگند! اینان شیعیان ما هستند. خداوند به دست مردی از ما، این کار را در حق آنان خواهد کرد و آن مرد، مهدی این امت است و او همان کسی است که پیامبر صلوات اللہ علیہ و آله و سلم (درباره او) فرموده است: «اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. نام او هم نام من است. او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و ستم لبریز شده باشد.»^۹

بررسی آیات دیگر را به مجال دیگر واگذاشته و در پایان، یادآور می‌شویم، اهل سنت نیز روایاتی آورده‌اند که آیاتی از قرآن را درباره حضرت مهدی صلوات اللہ علیہ و آله و سلم و حکومت جهانی آن حضرت می‌داند؛ برای نمونه فخر رازی در ذیل آیه^{۱۰} سوره بقره، از مصاديق «غیب»، مهدی آل محمد صلوات اللہ علیہ و آله و سلم را می‌داند که باید به آن ایمان داشت.^{۱۱}

۷. بخار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۴، باب ۴۱، ح ۱۴۴.

۸. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲.

۹. همان.

۱۰. تفسیر فخر رازی.

﴿وَعْدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيُسْتَخْلَفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيمْكَنَ لَهُمْ دِيْنُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْدُونَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئًا﴾

خداوند، به مؤمنان درستکار شما و عده داده است آنان را در زمین جانشین می‌کند؛ همچنان که گروهی از پیشینیان را جانشین کرده و دینی که برایشان می‌پسندد، بگستراند و بعد از بیمناکیشان به آنان امنیت می‌بخشد که آن زمان، من را می‌پرسند و چیزی را شریکم قرار نمی‌دهند.

وعددهای فداوند به مؤمنان صالح

۱. تمام زمین را در اختیارشان می‌گذارد؛ همانند حکومت‌های صالحان گذشته؛ چون نوح و داود و سلیمان.

۲. دین آنان را در تمام زمین برتری و گسترش می‌دهد؛ دینی که خداوند برای انسان‌ها پسندیده است؛ یعنی اسلام همراه با ولایت اهل بیت علیہ السلام که جریان غدیر و آیه‌های مربوط به آن آن را می‌رساند.

۳. امنیت و آرامش را جایگزین ترس و وحشت مؤمنان درستکار قرار می‌دهد. البته امنیت کامل، زمانی حاصل می‌شود که سراسر زمین در اختیار مؤمنان با تقویاً باشد و دشمن قابل توجهی مقابل آنان نباشد.

۴. نتیجه این حکومت، از میان رفتن جلوه‌های شرک و نفاق و پرستش خدای یکتا است. در پرتو آن، برکت از آسمان و زمین آشکار می‌شود و همگان در رفاه و آسایش قرار می‌گیرند.

رسول خدا صلوات اللہ علیہ و آله و سلم در ذیل این آیه فرمود: وقتی قائم ما قیام کند، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که لبریز از ظلم و ستم شده باشد و فرمود:

خوشابه حال صبر پیشگان در پنهانی او و خوشابه حال یاری کنندگانش در قیام او.^۷

نکته مهم، این که وعده خدا، حق و تخلف ناپذیر است؛ ولی جهانی شدن آیین الهی تا کنون اتفاق نیقتاده است؛ به



حکومت شایستگان



مکالمه‌راه سلیمانیان^۱

پیش از هر سخن بهتر است به اشاره، برخی واژگان آیه را بررسی کنیم:
- «زبور» داود (یا به تعبیر کتاب‌های عهد قدیم، مزاصیر داود) عبارت است از: «مجموعه‌ای از مناجات‌ها و نیایش‌ها^۲ و اندرزه‌های داود پیامبر^{علیهم السلام} و آنچه بر او نازل شد^۳. برخی نیز در معنای «زبور» گفته‌اند: نامی است برای جنس کتاب‌هایی که بر پیامبران نازل می‌شود.
- «ذکر»، در اصل به معنای چیزی است که مایه تذکر و یاد آوری باشد؛ ولی در این آیه - به قرینه معروفی آن قبل از زبور - به کتاب آسمانی حضرت موسی^{علیهم السلام} (تورات) تفسیر شده است.
- «ارض»، به مجموع کره زمین گفته می‌شود؛ مگر این که قرینه خاصی در کار باشد.

- «ارت»، یعنی چیزی که بدون معامله و داد و ستد، به کسی انتقال می‌یابد. در قرآن کریم، گاهی به معنای تسلط و پیروزی یک قوم شایسته، بر قوم ناشایست و در اختیار - گرفتن موهبت‌ها و امکانات آن‌ها گفته شده است.^۶

اما مقصود از این شایستگی چیست؟ با توجه به اضافه شدن «بندگان» به «خدای»، ایمان و توحید آنان روشن می‌شود و با توجه به کلمه «صالحون»، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، و تدبیر و نظم و درک اجتماعی. این شایستگی‌ها دارای آثار و برکاتی بی‌مانند است؛ به گونه‌ای که اگر بندگان با ایمان، این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز آن‌ها را یاری می‌کند تا بر مستکبران چیرگی یافته، دستهای آلوده‌شان را از حکومت روی زمین کوتاه کنند و دارنده میراث‌های آن‌ها شوند.

بنابراین، تنها «استضعفاف» سبب پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین نیست؛ بلکه وجود ایمان و کسب شایستگی‌ها نیز، بایسته است و مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

اما این که مقصود از این وراثت چیست؟ مرحوم علامه طباطبائی پس از

امید به حاکمیت "انسان‌های صالح" در آینده‌ای روشن و استقرار عدالت و صلح فraigیر و همگانی، امری فطری است. همه افراد، براساس فطرت ذاتی خود، به امید روزی هستند که جهان در پرتو هدایت‌های انسانی شایسته و با تأیید و عنایت پروردگار هستی، از بیداد و تباہی رهایی یافته، از نا بسامانی - ها، نامنی‌ها و تیره‌روزی‌ها خلاص شود و سرانجام به صلح و صلاح نایل آید.

در بیشتر دین‌ها و مذهب‌های جهان، از مصلحی سخن به میان آمده است که در آخر الزمان ظهر کرده و به کڑی‌ها و کژروی‌ها پایان خواهد داد و شالوده حکومتی یگانه و جهانی را بر اساس دادگری، بنا خواهد کرد. تمام پیامبران و سفیران الهی نیز در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویسندگان روشی داده‌اند.

این اندیشه که در اسلام با عنوان «مهدویت»، شناخته شده است، همچون دیگر ادیان، ریشه در کلام پروردگار الهی دارد؛ از این رو قرآن، در جایگاه کتاب آسمانی مسلمانان، با پافشاری تمام، پیروزی نهایی «حق» بر «باطل» را به تمام انسان‌ها و عده فرموده و حکومت صالحان و شایستگان را نوید داده است.

مسلمانان با بهره‌مندی از آموزه‌های آفتابگون و حسی و سخنان سورانی رسول گرامی اسلام^{علیهم السلام}، بر این باورند: آن انسان بزرگ که شایستگان را بر گیتی چیره خواهد ساخت، کسی نیست مگر رادمردی از سلاله آخرین پیامبر الهی، یعنی حضرت مهدی^{علیه السلام}.

اگرچه قرآن درباره ظهر و قیام حضرت مهدی^{علیه السلام} به گونه‌ای فraigیر سخن راند و به تشکیل حکومت دادگر جهانی و پیروزی شایستگان بشارت داده است، مفسران شیعه و برخی از تفسیرگران اهل سنت، این آیات را - به استناد روایات اهل بیت^{علیهم السلام} و دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان، به حضرت مهدی^{علیه السلام}، مربوط دانسته‌اند.

به باور ایشان، مهم‌ترین آیه‌ای که پرده از حاکمیت انسان‌های شایسته در آینده برداشته، این گونه می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كُتِبَتْ فِي الرُّكُوبِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبَادُ الصَّالِحِينَ»^۷
وهمان‌ها، در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من، به ارت خواهند برد.

در این آیه، به یکی از روشن‌ترین پاداش‌های دنیوی صالحان (حکومت روی زمین)، اشاره شده است. و در روایاتی چند نیز، این رویداد مهیم، در عصر ظهر حضرت مهدی^{علیه السلام} دانسته شده است.

از نکاه خرافه

این بندگان شایسته، همانا آل محمد هستند که خداوند، مهدی آنان را پس از کوشش ایشان مبعوث می‌کند. پس ایشان را عزت داده، دشمنانشان را ذلیل خواهد کرد.

روشن است مفهوم این روایت، انحصار نیست؛ بلکه بیان یک مصدق عالی و آشکار است و این تفسیرها، هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌کند؛ بنابراین هر زمان و هر جا، بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.^۰

در پایان سخن یاد این نکته لازم است که در مزامیر داود تعبیر یاد شده یا مشابه آن، در چند مورد دیده می‌شود و نشان می‌دهد با تمام تحریفات موجود در این کتاب‌ها، این قسمت، همچنان از دستبرد مصون مانده است.

برخی از این فرازها بدین قرارند:

... اما متواضعان وارث زمین شده، از کثرت سلامتی شادکام خواهند شد:^۱
صدیقان وارث زمین شده، همیشه در آن ساکن خواهند بود؛^۲ خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد.^۳

در این عبارت‌ها، عنوان «صالحان» که در قرآن آمده است، با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می‌خورد. علاوه بر این، تعبیرات دیگری نیز مانند صدیقان، متواضعان، در جمله‌های دیگر ذکر شده است. این تعبیرها، دليل بر عمومیت حکومت «صالحان» است و با احادیث قیام حضرت مهدی علیه السلام تطبیق می‌کند.

بدین سان می‌توان نتیجه گرفت حضرت حق تعالی آخرين حکومت را از آن صالحان می‌داند که: العاقبه للمتقين.

بیان مطالبی ذیل آیه، این گونه می‌نویسد: مراد از وراثت زمین این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین، مختص ایشان شود. این برکات، یا دنیایی است که بر می‌گردد به بهره‌مندی صالحان از زندگی دنیایی که در این صورت، خلاصه مفاد آیه این می‌شود که: به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک شده، جامعه بشري صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نورزنند، در آن زندگی کنند؛ همچنان که آیه **﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾**^۴ از آن خبر می‌دهد یا این برکات‌ها اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند؛ چون این مقامات هم - گرچه از نعیم آخرت است - از برکات حیات زمینی است؛ همچنان که آیه: **﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ تَبَوَّأْ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ﴾**^۵ که حکایت کلام اهل بهشت است و آیه **﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ﴾**^۶ بدان اشاره می‌کنند.

از همین جا روشن می‌شود آیه مورد بحث، ویژه یکی از دو وراثت‌های دنیایی و آخرتی نیست؛ بلکه هر دو را شامل می‌شود. و تفسیرگرانی که آن را به وراثت آخرتی اختصاص داده و به آیاتی که مناسب با آن وراثت است تمسک جسته‌اند، حرف درستی نزد هماند. آن مفسرینی هم که آیه را به وراثت دنیایی اختصاص داده، بر دوره ظهور اسلام یا دوران مهدی علیه السلام - که رسول خدا علیه السلام در اخبار متواتره از آن خبر داده و شیعه و سنی آن‌ها را نقل کرده‌اند - حمل نموده‌اند باز راه درستی نرفته‌اند؛ زیرا روایات مذکور - هر چند متواتر و مسلم است - آیه را تخصیص نمی‌زنند.

کوتاه سخن، همان‌طور که گفتیم، آیه شریف، مطلق است و شامل هر دو وراثت می‌شود

در تفسیر آیه شریف، از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

هم آلٌ مُّحَمَّدٌ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيهِمْ بَعْدَ جَهَدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يَذْلِلُ عَذَّوْهُمْ؛

۱. «خدا به آن عده از سماکه ایمان آورده عمل صالح کرده و عده داده که به زودی ایشان را جانشین دیگران در زمین کند ... مرا برسنند و چیزی شریکم نسازند»، سوره نور، آیه ۵۵.

۲. «وَكَفَتَنَدْ خَدَائِي رَاكَهْ زَمِينَ رَا بهْ ما ارتَ دَادَ تَاهْ جَاهْ جَاهْ زَمِينَ رَا بهْ بَخَواهِيمْ بَرَايِ خَودَ انتخَابَ كَتَبِيمْ». سوره زمر، آیه ۷۲.

۳. «ایشانند وارثان، همانهایی که فردوس بربن را ارت می‌برند». سوره مؤمنون، آیه ۱۱.

۴. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیة، ص ۱۸۴.

۵. تفسیر نونه، ج ۱۳، ص ۵۱۵ - ۵۲۴.

۶. مزامیر داود، بند ۱۱.

۷. همان، بند ۲۹.

۸. همان، بند ۱۸.



شهر کوفه

سید داود موسوی

عبدالله بن ولید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ما در هیچ شهری به اندازه کوفه دوست نداریم. خداوند شما (أهل کوفه) را به امری هدایت فرمود که نادان‌ها به آن آگاه نبودند ... ولایت ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و شهرها عرضه شد و هیچ کدام، مانند کوفه آن را پذیرفتند.
نیز فرمود:

مکه حرم الهی و مدینه حرم نبوی و کوفه حرم علی علیهم السلام
است.

شایان ذکر است بیان این گونه فضائل برای شهر کوفه با صفات ناشایست و نکوهیده آن‌ها که در سخنان امام علی علیهم السلام و امام حسین علیهم السلام منعکس شده است، منافاتی ندارد؛ زیرا در برهه‌ای از زمان، بسیاری از مردم کوفه به وظایف خود عمل نکرده و از امام زمان خویش فاصله گرفته و مستوجب چنین خطاب‌هایی شده‌اند.

کوفه مرکز خلافت علی علیهم السلام

اوج شهرت و عزت و افتخار شهر کوفه، زمانی است که امام علی علیهم السلام در سال ۳۵ هـ این شهر را مرکز خلافت اسلامی قرار داد. این امر، کوفه را مرکزی مهم برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قرار دارد و باعث توجه و روی آوری بیش از پیش طوایف و قبایل جامعه اسلامی به این شهر شد.^۱

خارج شدن امام علی علیهم السلام از مدینه و گزینش کوفه برای مرکز خلافت، کار آسانی نبود؛ همچنان که گریزی از آن نبود. درست همانند زمانی که رسول خدا علیهم السلام شهر مکه را با آن همه قداست، ترک کرد، رفتن امام علی علیهم السلام را به کوفه نیز باید نوعی هجرت برای حفظ دین از دست پیمان شکنان و فاسدانی چون معاویه دانست.

مسجد کوفه در عصر خلافت علی علیهم السلام

امام علی علیهم السلام آن‌گاه که کوفه را مرکز خلافت قرار داد، در آغاز ورودش به شهر کوفه، به دارالاماره (قصر حاکم کوفه) نرفت؛ دارالاماره‌ای که طی سال‌ها به قصری اشرافی تبدیل شده بود؛ بلکه به مسجد کوفه رفت و آن‌جا را به طور موقت محل سکونت خویش قرار داد و در همان مسجد، به تدبیر امور پرداخت. اسود بن قیس گوید:

۱. سفينة البحار، ج ۷، ص ۵۴۳. ۲. دائرۃ المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۲۰.

اشارة: براساس روایات متعدد، حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، شهر کوفه و مسجد با عظمت آن را محل سکونت و تدبیر امور و ستاد فرماندهی خود قرار می‌دهد. می‌دانیم امام علی علیهم السلام در آغاز خلافت، پس از فتنه جمل، شهر کوفه و مسجد کوفه را مرکز حکومت قرار داد و سرانجام در ۱۹ رمضان سال ۴۰ ق در همان مسجد، فرقش شکافته شد و ندای «فزت و رب الکعبه» اش به گوش عرشیان رسید.

شهر کوفه در یک نگاه

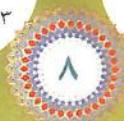
شهر کوفه، از مهمترین شهرهای جهان اسلام به شمار می‌آید. تاریخ بنای ابتدایی شهر به طور دقیق معلوم نیست. آنچه مسلم است قدمت زیاد این شهر است. شهر کوفه در سال ۱۷ ق پس از فتح قدسیه و مدائین به دستور خلیفة دوم، توسط سعد و قاصن تجدید بنا شده است. از این پس، این شهر، دارالهجره مسلمین بوده و به قبة‌الاسلام معروف شده است. سال‌ها مرکز علم و فرهنگ و سیاست بوده است. طبق روایات، مدفن بسیاری از انبیاء و اوصیا و اولیا و صلحاء و علماء است. کوفه در طول تاریخ اسلام، حوادث تلخ و شیرین فراوان به خود دیده است.

شهر کوفه لز معظمه روایات

در بسیاری روایات از معصومان علیهم السلام در مدح و تعظیم شهر کوفه سخنانی بیان شده است. در کلام نبی علیه السلام مراد از «طور سینین» در قرآن، شهر کوفه دانسته شده است.^۲ از امام علی علیهم السلام نقل شده است روز قیامت از مردم پشت کوفه (که نجف است) هفتاد هزار محشور می‌شوند که چهره‌های آن‌ها، چون ماه درخشان است. ابی اسماعیل گوید: از امام صادق علیهم السلام که فرمود: کوفه، روشهای (گلستان) از روضه‌های بهشت است که قبرنوح و ابراهیم و سیصد و هفتاد پیامبر و ششصد وصی و قبر سید اوصیا، علی علیهم السلام آن‌جا است.^۳

امام صادق علیهم السلام فرمود:

یک درهم انفاق در کوفه برابر است با انفاق صد درهم در غیر کوفه و دو رکعت نماز در کوفه برابر است با صد رکعت در غیر کوفه.^۴



۱. سفينة البحار، ج ۷، ص ۵۴۳. ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۴.

مرکز خلافت علوی و حلوست مهدوی

مسجد کوفه در عصر ظہور

آنچه شهر کوفه را در فرهنگ «مهدویت» از برجستگی خاصی برخوردار کرده، روایاتی است که شهر کوفه و مسجد با عظمت آن را با موضوعات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام - بهویژه حوالات پس از ظہور - پیوند زده است. برخی روایات تصریح دارد که شهر کوفه مرکز حکومت امام مهدی علیه السلام است.

مفضل بن عمرو گوید از امام صادق علیه السلام درباره محل حکومت حضرت مهدی علیه السلام سؤال کردم؛ فرمود: مقر حکومتش، کوفه و مجلس حکم فرمایی اش مسجد جامع آن است.^۷

از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است:

(مهدی علیه السلام) پس از ظہور، بهسوی کوفه حرکت می کند و منزل و محل سکونت او آنجا خواهد بود و همانجا حکومت عدالت گسترش را بنیان می نهاد.^۸
در روایات دیگری مفضل بن عمرو گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام: که فرمود:

آن حضرت (مهدی علیه السلام) در پشت مسجد کوفه، مسجدی بنا می کند که برای آن هزار در است، تا آنجا که خانه های کوفه به شهر کربلا متصل می شود...^۹

۵. سیره خلفاء از رحلت پیامبر تا زوال امویان.

۶. منتخب الاثر، ص ۴۸۸.

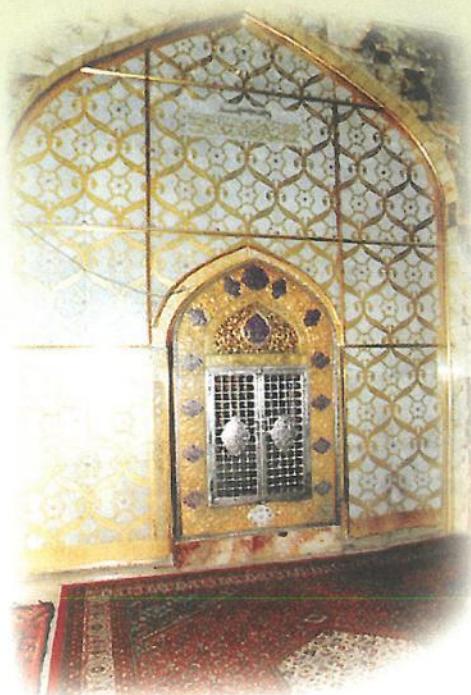
۷. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۱.

۸. همان، ج ۵۲ ص ۲۲۴.

۹. غیبت طوسی، ص ۴۶۸.

بارها دیدم که علی علیه السلام در مسجد کوفه مردم را اطعام می کرد.^{۱۰} جالب است همین امور و شبیه آن، برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز بیان شده است. در روایات، مقرر حکومت حضرت مهدی علیه السلام و مجلس دادرسی آن حضرت و ستاد فرماندهی او مسجد کوفه بیان شده است. مردم کوفه، در ابتدای ورود علی علیه السلام خوشبختترین مردمان بودند که آن حضرت به تمجید از آنان پرداخته است؛ همچنین در روایتی مردم کوفه در زمان حضرت مهدی علیه السلام را خوشبختترین مردم یاد کرده است.^{۱۱}

مسجد کوفه، از عصر خلافت علی علیه السلام خاطرات تلخ و شیرین فراوانی به همراه دارد: شاهد نیایش‌ها و عبادت‌ها و تهجد‌های شبانه علی بوده است؛ از خطابهای فصیح و بلیغش و از شکوه‌ها و ناله‌های جان سوزش خاطره‌ها دارد. جهاد و تلاش و انفاق و اطعام در راه خدا و دادرسی‌های حکیمانه‌اش را هرگز فراموش نمی کند و از همه مهم‌تر، آن گاه که ابن ملجم، آن شقی‌ترین انسان‌ها فرق نازنیش را شکافت و محراب مسجد کوفه از خون سرخش رنگین شد و ندای «فزت و رب الکعبه» اش به ملکوت رسید. این مسجد کوفه بود که ملکوتیان و عرشیان، ندبه کنان به سوی آن توجه کردند و ندای «هُدْمَتُ وَاللهُ ارْكَانُ الْهَدِی» سر دادند.



شازده سه شنبه در آستانه مبعث

رسول حربان

وقتی غبار جهل و غفلت از دل بشوی و گوش جان را به زاده زهراء^{علیها السلام} بسپاری، آوای فرشتگان را در فضای زمین و درون خویش می‌یابی که بلند بلند زمزمه کنند: انا ارزلناه و ... حم ... حکیم...؛ شأن نزول این آیات، آن آقا و سرور جهانیان است و این آیات، دلیلی رسماً و روشن بر امامت و نیاز آفریدگان به آن یگانه خورشید سپهر می‌باشد و انکارش نشانه کفر و نگون‌بختی.

امام جواد علیه السلام فرمود:

خداؤند، در هر سال شبی را مقدر کرده که تفسیر و توضیح امور در آن شب خواهد شد. هر کس آن را منکر شود، علم خدا را انکار کرده است؛ زیرا رسولان و محدثان - اوصیا و امامان صلوات الله علیهم - با آن حجتی که در آن زمان به آن‌ها می‌رسد، به امر خدا به پای خیزند. باید از نخستین روز آفرینش تا پایان، حاجتی برای اهل زمین باشد و خدای سبحان، تفسیر امور را در آن شب بر آن محبوب و گزیده بنده فرو می‌فرستد... .^۳

شب قدر، قدسیان از فراسوی آسمان، مسافران سفید پوش زمین و پیام آوران خدایند که زائر حجت زمان می‌شوند. در این مبارک شب، روزی و سرنوشت نیک و بد آدمیان رقم خورد و پرونده سالانه بسته و نوشته شود؛ فرمان‌های الهی بر خلیفة خدا بر روی زمین ابلاغ می‌شود، تا مورد امضا و قبول افتد.

فرشتگان، هر ساله این لحظه‌ها را در آستان پاک پیشوای آن دوران، حضوری همگانی خواهند داشت. این، از سنت‌ها و قانون‌های پایدار خداوند است و در این شب دامان می‌گستراند و تکرار می‌شود؛ بدین سبب، زمین همواره نیازمند حجت خواهد بود و هرگز از وی تهی نگردد. قرآن کریم، از این شب و آنچه روی می‌دهد با فعل مضارع که نمودار دوام و همیشگی است، لب به سخن می‌گشاید:

﴿تنزل الملائكة والروح فيها من كل أمرٍ﴾^۱ و ﴿فيها يفرق كل أمر حكيم﴾.^۲

قلب آفرینش (امام زمان علیه السلام) ستاره پر فروغ شب قدر و مطاف فرشتگان و کعبه دلدادگان است.

وقتی چشم دل را بگشایی، می‌بینی روح و جبرئیل با آن منزلت و جلال، در کران نور آفتاب حضرت مهدی علیه السلام با چه شوری فرود می‌آیند؛ میکائیل و دیگر افلاکیان، در این فرخنده شب، گویی از شادی در پوست خود نمی‌گنجند و گویی، این لحظه‌ها در وجود و جان نورانیشان دوباره روح خدا دمیده می‌شود؛ اما نه در پهنانی آسمان‌ها، بلکه روی زمین خاکی، در آستان با عظمت خلیفة الله که امانتدار درودهای پی در پی و پیام‌هایی هستند، دیوان الهی را بگشایند و آنچه باید در این سال پیش رو به سرانجام و سامان رسد، بازگو کنند و این، بهانه‌ای برای دیدار و چشم بر روی خورشید هستی باز کردن است.

مهر قبولی تسبیح و تقدیس افلاکیان، امشب بر صفحه وجود می‌خورد، دفتر کردار و رفتار ایمانیان بار دیگر گشوده می‌شود تا آنچه رقم خورده و مقدار گشته، امضا شود. کتاب پروردگار، برگ سبزی می‌خورد و نهان و درون‌مایه‌ای دیگر از آیاتش آشکار و اسرارش فاش می‌گردد.

۱. قدر: .۴

۲. دخان: .۴

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۵۰، باب فی شأن انا ارزلناه، ح ۷۰.

لامعصر

ناظر بر رعایت

امام زمان

در کلام آیت الله العظمی بجهت



می خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتدا، رضایت و عدم رضایت او را در نظر بگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب کنیم! البته رضایت و سخن او در هر امری معلوم است و ظاهراً متنه‌ی به واضحات می‌شود و در غیر واضحات و موارد مشکوک، باید احتیاط کنیم.

در همین اواخر، اتفاق افتاده که شخصی در تقلید و تعیین مرجع شایسته، شک و تردید داشت. در خواب، چهره شخص مورد نظر را به او معرفی کردند. به نجف رفت و پس از مدتی جستجو پیدا کرد او را. همچنین برای بعضی اتفاق افتاده که در بقاء بر تقلید و یا عدول به حی، تردید داشته‌اند، و از قبر معصوم شنیده است که «باقی باش». البته، هر کدام از این نقل‌ها، قابل تکذیب است، ولی از مجموع این قضایا، معلوم می‌شود که امام زمان^{علیه السلام} متوجه و مراقب ما است و نمی‌توان گفت، از احوال ما مطلع نیست و ما هر کار و یا هر چه را خواستیم، می‌توانیم آزادانه انجام دهیم.^۲

^۲. امام زمان در کلام آیت الله بجهت، محمد تقی امیدیان.

آیا نباید توجه داشته باشیم که ما ریسی داریم که بر احوال ما ناظر است؟! وای بر حال ما اگر در کارهایمان او را ناظر نبینیم و یا او را در همه جا ناظر ندانیم! گناهان شخصی که در خلوت انجام می‌گیرد و ربطی به امور اجتماعی ندارد، استحقاق جهنم را دارد، «الا بِتَوْبَةٍ مُّنَاسِبَةٍ لِّلْحَالِ» عواقب گناهان اجتماعی که موجب تغییرات در جامعه و اختلال نظام و انحلال آن، و یا تحریم حلال و ترک واجب و یا مصادره اموال و هتك حرمت و قتل نفوس زکیه و ریختن خون مسلمانان و حکم به ناحق و ... می‌شود، چه گونه خواهد بود؟

با وجود اعتقاد به داشتن ریسی که «عین الله الناظر»^۱ است، آیا می‌توانیم از نظر الهی فرار کنیم و یا خود را پنهان کنیم؟ و هر کاری را که خواستیم انجام دهیم؟! چه پاسخی خواهیم داد؟! همه ادوات و ابزار را از خود او می‌گیریم و به نفع دشمنان به کار می‌گیریم، و آلت دست کفار و اجانب می‌شویم و به آنان کمک می‌کنیم؟! چه قدر سخت است اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که

^۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰، توحید صدوق، ص ۱۶۷، معانی الاخبار، ص ۱۶.

شی بپر صح نو را

آن شب که فرشتگان فرود می‌آیند، و روح (جبرئیل) نیز فرود می‌آید،
کدامین است؟ آن شب که فرمان‌ها و تقدیرها را به زمین می‌آورند و طبق

حکمت بر می‌نهند و معین می‌دارند؟ ...

آن شب که تا سپیده‌دمان، همه آنات و لحظات آن، درود است و سلام،
و رحمت است و سلامت، و اینمی است و فرخندگی؟ ...

این واقعیت بزرگ، که با « فعل مضارع » بیان شده و استمرار را می‌رساند،
چیست: «تنزَّل الملائكة والروح...» فرشتگان و روح، همی فرود آیند، و همی
فرود آیند؛ به کجا؟

آری؛ فرشتگان و روح، در هر سال، در شب هنگام «قدر» پیوسته فرود
آیند و به «اذن خدا» هر «امر» و «تقدیری» را فرود آورند... این امر، چگونه
است؟ این فرشتگان، نزد چه کسی می‌روند و فرمان‌ها و تقدیرها را به چه
کسی می‌سپارند؟ آن جا که روح بزرگ فرود می‌آید، کجا است؟ و آن آستان
قدس و مطلع نور و مرکز ناموس که «کل امر» به همراه فرشتگان، به
جانب آن فرود آورده می‌شود، کدام آستان است؟ در شب قدر، فرودگاه
فرشتگان آسمان، در کدام سرمنزل قدس و مهبط مطهر است؟

شبی در هر سال

چنان که از آیه‌های «سوره قدر» به روشنی فهمیده می‌شود، در هر سال،
شبی هست که از هزار ماه - به ارزش و قدر فضیلت - برتر است.^۲ این
شب، در هر سال هست. در هر سال، یک شب، شب قدر است. در این
شب، فرشتگان به همراه بزرگ خویش (روح) به زمین می‌آیند و هر امر و
فرمان و تقدیری که از سوی خدا معین شده است - برای یک سال، تا شب
قدر سال آینده - فرود می‌آورند.

آنچه از احادیثی که در تفسیر این سوره، و تفسیر آیات آغاز سوره
«(دخان)» و جز آن رسیده است، فهمیده می‌شود این است که فرشتگان در
شب قدر، مقدرات یکسانه را به نزد ((ولی مطلق زمان)) می‌آورند و
بر او عرضه می‌دارند و به او تسلیم می‌کنند. این واقعیت، همواره بوده

۲. ((شب زنده‌داری و عبادت و انجام کار خیر در آن شب، بهتر است از

شب زنده‌داری و عبادت و کار خیر در هزار ماه که شب قدر نداشته باشد))

(مجمع‌البيان، ج ۱۰، ص ۵۲۰)

محمدعلی‌رضایا حکیمی^۱

شب قدر است و طی شد نامه هجر

آن شب که باید شکواییه هجران را در نور دید و به امید وصل دیدار
بیدار نشست و از جام طهور «سلام» تا «مطلع فجر» سرمیست بود،
کدام شب است؟

آن شب که شاعر حافظ قرآن، با الهام گرفتن از قرآن، آن را
«شب وصل» می‌نامد و نامه هجران را در آن شب، طی شده و پایان
- یافته می‌خواند، کدام شب نورانی و دل‌افروز است؟ شبی که باید
در عاشقی ثابت قدم بود، در طلب کوشید و بیدار ماند و دیدار
جست و احبا گرفت و به نیازمندان رسید و دانایی طلبید و مذاکره علم کرد؛
به جا آورد و به نیازمندان رسید و دانایی طلبید و دانایی طلبید و مذاکره علم کرد؛
شبی که در آن، کاری بی‌اجر نخواهد ماند؛ شبی که باید به یاد
روی آن محبوب عزیز و آن یار آواره از دیار، و پنهان رخسار، با
دردمدنی‌های عاشقانه نالید و دیدار روی او را از خدای طلبید، کدام
شب عزیز است؟

سوره قدر

«أَنَّا أَنْذَلْنَا فِي لَيْلَةِ الْقُدْرِ * وَ مَا أَذْرَى مَا لَيْلَةُ الْقُدْرِ * لَيْلَةُ الْقُدْرِ خَيْرٌ
مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ *
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ *»

ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم* تو شب قدر را چگونه شبی
می‌دانی؟* شب قدر، از هزار ماه بهتر است* در آن شب فرشتگان
و روح [جبرئیل]، به اذن خدا، همه فرمان‌ها و سرنوشت‌ها را فرود
می‌آورند* آن شب، تا سپیده دمان، همه سلام است و سلامت.

کدامین شب؟

این امر بزرگ چیست و این شب کدام است؟ آن شب فرخنده که
قرآن فرود آمده است، چه شب است؟ آن شب که از هزار ماه بهتر
است، کدام لحظات گرانقدر است؟

۱. با استفاده از کتاب خورشید مغرب.

این بیان امام، اشاره است به همان حکمت عمیق و راز عظیم وجود و ارتباط و امتحان هدایت تکوینی و هدایت تشريعی و رابطه مستقیم «حجت صامت» یعنی «قرآن» با «حجت ناطق» یعنی امام. این تعلیم، توضیح سخن معروف پیامبر اکرم ﷺ است، در حدیث ثقلین.

خلیفه الہی

در قرآن کریم، سخن از خلافت الہی در زمین رفته است؛ خدا به فرشتگان گفت:

از جانب خود، در زمین خلیفه‌ای بگذار و بگمارم.^۱

درباره این موضوع یادآوری می‌کنیم مقصود از تعبیرهای «ولی مطلق»، «ولی کامل»، «ولی زمان»، «ولی عصر»، «حجت ناطق» و «صاحب شب قدر»... همان «خلیفه خدا» است در زمین. پس از درگذشت پیامبر اکرم ﷺ و پایان یافتن دور نبوت و پیامبری، این مرتبه بزرگ، از آن اوصیای پیامبر است؛ یعنی علی و یا زده فرزندش. خلافت، عهد خدایی است و عهد خدایی، جز به پاکان، نیکان، معصومان و مطهران نخواهد رسید. این‌اند که می‌توانند وارد علوم انبیا و حامل عهد خدا باشند که «لا ينال عهده الظالمين»...^۲

این است که مسئله شب قدر و خلافت الہی در زمین و حضور مدام آن که به تعبیری دیگر، ادامه بقای قرآن است در ارض و ادامه حجت آن - در رابطه مستقیم قرار دارد با لزوم امام. و از اینجا است که «سوره قدر» و «سوره دخان»، از مهم‌ترین دلیل‌های حضور و لزوم «امامت حقه» و «خلافت الہی» است در زمین. و از عظیم‌ترین اسناد تداوم ناموس الہی در جهان است. و براساس این شناخت قرآنی است که امام نهم، حضرت جواد علیه السلام، تعلیمی به شیعه می‌دهد، بسیار گرانقدر، و معرفت‌آموز و می‌فرماید:

با مخالفان امامت، به سوره «انا انزلناه» استدلال کنید، تا پیروز شوید.^۳ خدا سوگند! این سوره، پس از درگذشت پیامبر، حجت خدای متعال است بر خلق.^۴ این سوره، نقطه اوج دین شما است. این سوره، نشانه ابعاد علم ما است. ای شیعیان! همچنین به سوره «حمد دخان» که در آن، آیه «انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة ایا کنا مُنذِرین»^۵ آمده است، استدلال کنید. این سوره [و این مقام] پس از رسول الله، ویژه ولی امر [حجت خدا] است در هر عصر...^۶

۷. یعنی لزوم امام را با این سوره اثبات کنید. برسید از آنان که معنای این سوره چیست و نزول فرشتگان و عرضه مقدرات، در شب قدر بر جه کسی است؟

۸. یعنی پس از درگذشت پیامبر ﷺ نیز این سوره مصدق دارد و خواهد داشت. برسید: آن مصدق کیست؟

۹. دخان:^۷
۱۰. کافی، کتاب الحجۃ، باب فی شان انا انزلناه فی لیلۃ القدر و تفسیرها، حدیث ۶.

است و خواهد بود. در روزگار پیامبر اکرم، محقق نزول فرشتگان شب قدر، آستان مصطفی ﷺ بوده است. این امر، مورد قبول همگان است. امر دیگری که مورد قبول است، این که پس از پیامبر اکرم ﷺ نیز (شب قدر) هست؛ چنان که در «قرآن کریم» در «سوره قدر» و «سوره دخان» به روشنی ذکر شده است که شب قدر، در هر سال هست. رشید الدین مبیدی، مفسر معروف سنی می‌گوید:

برخی گفته‌اند: «این شب قدر، به روزگاران پیامبر ﷺ بود و سپس از میان رفت؛ اما چنین نیست؛ زیرا همه اصحاب پیامبر و علمای اسلام معتقدند شب قدر، تا قیام قیامت باقی است.^۸

شیخ طبرسی نیز، در این باره، روایتی از ابوذر غفاری نقل می‌کند: ابوذر غفاری به پیامبر خدا گفت: «ای پیامبر! آیا شب قدر و نزول فرشتگان در آن شب، تنها در زمان پیامبران وجود دارد و چون پیامبران از جهان رفته‌اند، دیگر شب قدری نیست؟» پیامبر فرمود: «نه؛ بلکه شب قدر، تا قیام قیامت هست».^۹

صاحب شب قدر

هنگامی که در شناخت قرآنی به این نتیجه می‌رسیم که «شب قدر» در هر سال هست، باید توجه کنیم «صاحب شب قدر» نیز باید همیشه وجود داشته باشد - چنان که در احادیث آمده است^{۱۰} - و گرنه فرشتگان بر چه کسی فرود می‌آیند؟ و کتاب تقدیر را نزد چه کسی می‌گشایند؟ و مجاری امور را به اذن خدا، به چه کسی می‌سپارند؟

هدایت و ولایت «تکوینی»، از هدایت و ولایت «تشريعی» جدا نیست. عکس این قضیه نیز صادق است؛ پس چنان که «قرآن کریم» تا قیام قیامت هست و «حجت» است، صاحب شب قدر نیز همواره هست و همو «حجت» است. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، این مقام، از آن جانشینان پیامبر است. همین دو واقعیت بزرگ است (یعنی وجود شب قدر در هر سال و وجود صاحب شب قدر در هر عصر) که امام علی بن ابی طالب علیه السلام از آن‌ها این چنین یاد می‌کند:

«شب قدر، در هر سال هست. در این شب همه سال [او تقدیرها و سرنوشت‌ها] فرو فرستاده می‌شود. پس از درگذشت پیامبر ﷺ نیز این شب، صاحبانی دارد...»^{۱۱}

قرآن و شب قدر

در برخی از احادیث آمده است که راوی به امام جعفر صادق علیه السلام می‌گوید: «درباره شب قدر، به من اطلاعاتی بدهید! آیا این شب، فقط در روزگاران گذشته [مثلاً روزگار حیات پیامبر ﷺ] بوده است [و اکنون دیگر نیست] یا این که شب قدر، در هر سال، هست؟» امام می‌فرماید:

لو رفعت لیلة القدر، لرفع القرآن

اگر شب قدر را بردارند، قرآن را نیز بر می‌دارند.^{۱۲}

۱. کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۵۵۹.

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸.

۳. همان، حدیث ۷.

۴. نور التقلین، ج ۵، ص ۶۲۱.



قدمگاه

حرکتی کوچک و فاقص په سمت هنر انتظار

دکتر سید علیرضا سجادپور^۱

در گشایش چهارمین صفحه هنر سینما در «امان»، و پس از آن که سه مادر و فامیل، به نوعی انگار همه اهالی محل را پدر و مادر خود و شماره قبلى به بررسی و تحلیل کلی مباحث هنری با مضمون انتظار در همه خانهها را خانه خود می داند. ایران و نیز نقد برخی آثار سینمایی هالیوود که در تقابل و عناد با او پسری ساده و پاکدل است که سالها پیش نذر کرده ده سال پیاپی، شب و روز نیمة شعبان در امامزاده‌ای خارج از شهر به سر برد و مفهوم انتظار و اصول و ارکان آن ساخته شده‌اند. این بار به معرفی و بررسی یکی از تولیدات متأخر سینمای ایران می پردازیم. این اثر، فیلم «قدمگاه»، تولید سال ۱۳۸۲ است که به کارگردانی «محمدمهری عسگرپور» می باشد. عسگرپور پیش از آن، چند اثر تلویزیونی (نقطه اهالی، پیش از شب نیمة شعبان به شهر باز می گردد و مدعی می شود که آقا را در بیداری مشاهده کرده که به او فرمان داده به شهر باز گردد اوچ - خانه پدری - ...) و یک اثر سینمایی دفاع مقدس را در کارنامه خود داشته است.

اسال نیز دهمین و آخرین سال ادای نذر اوست. اما در میان حیرت سینمایی «قدمگاه»، این فیلم در کاشان - به عنوان نمادی از یک شهر سنتی ایرانی عسگرپور پیش از آن، چند اثر تلویزیونی (نقطه اهالی، پیش از شب نیمة شعبان به شهر باز می گردد و مدعی می شود که آقا را در بیداری مشاهده کرده که به او فرمان داده به شهر باز گردد اوچ - خانه پدری - ...) و یک اثر سینمایی دفاع مقدس را در کارنامه خود داشته است.

داستان این فیلم در کاشان - به عنوان نمادی از یک شهر سنتی ایرانی می گذرد. محور قصه به زندگی و سرنوشت پسری جوان می پردازد که یتیم و بی کس است و از کودکی به نوبت در خانه اهالی محل که یتیم و بی کس است و از کودکی به نوبت در خانه اهالی محل زندگی کرده و بزرگ شده. حالا پسر در عین بی کسی و نداشتن پدر و

۱. نویسنده و تهیه کننده آثار سینمایی و تلویزیونی؛ سینمایی طوفان شن (واقعه طبس)، سریال سیمرغ (شهیدان شیروodi و کشوری)، سریال عبور از خط سرخ (شهید عباس دوران)، سریال آفتاب و زمین (داستان تولد روح الله)، سینمایی آخرین ملکه زمین (حمله آمریکا به افغانستان)، سریال چشمان آبی زهرا (انتقامه فلسطین)، و ...

براساس قتل دردنگ و متزجر کننده یک زن تنها و بی پناه به دست اهالی محل و خصوصاً زن‌ها، بتا نهاده شده است. اهالی چه با ضرب و شتم زن، چه با سکوت و عدم دخالت، در این خون‌شریک و سهیم هستند و این شوک، بر سرتاسر داستان سایه افکنده است.

البته در فروع و حواشی داستان، مباحثت و موضوعاتی درباره انتظار، در کار بازتاب دارد اما چندان عمیق و ریشه‌ای نیست.

البته باید به این نکته توجه داشت که نفس وجود موضوع جشن‌های نیمة شعبان و انتظار فرج، گرچه به شکل پیش زمینه وقوع حوادث، یا به عنوان موضوعات فرعی، در حد خود شایان توجه و تحسین است و گاهی - هرچند کوچک و ناقص - در مسیر هزار انتظار محسوب می‌شود. به این امر، باید به کار گردانی ظریف و هنرمندانه، طراحی شخصیت‌های باورپذیر، بازی‌های خوب و قابل قبول، وجود پیام‌های متعدد اخلاقی و انسانی و عقایدی در جای جای کار و شیرینی و دلنشیزی کاراکتر جوان و اصلی داستان، که حامل پیام‌های نظری و عملی داستان است، اشاره کرد که از نکات مست و قابل اعتمانی نیلم است.

این اثر، با همه حواب آن، قطعاً در کارنامه عسکرپور، نقطه روشن رخوبی محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر آثار دیگری نیز در سینمای ایران دیده شده که از آن میان، فیلم انتظار ساخته «محمد نوری‌زاد» بسیار صریح و مستقیم و نزک به موضوع انتظار فرج و آثار اجتماعی و اخلاقی و انسانی آن پرداخته (که از نام فیلم نیز به روشنی این صراحت پیداست!) و در نوشтар خود دیدنی و قابل بحث است.

در شماره آینده به آشنایی بیشتر با این فیلم و دیگر آثار مشابه می‌پردازم انشاء الله.

باشد که این امر به افزایش انگیزه برای خلق و تولید اینگونه آثار در سینمای ایران بیانجامد و تعداد این آثار از انگشتان دست فراتر رود....

به نحوی مرموز و مبهم، اهالی از این بازگشت و این مکافشه خوشحال نیستند و هر یک نارضایتی خود را به گونه‌ای ابراز می‌دارند. در طول داستان به تدریج مشخص می‌شود که در گذشته‌های دور، پدر این جوان پیش از تولد فرزند در سانحه‌ای کشته شده و مادرش آثار و علائم حاملگی بروز داده. اهالی و خصوصاً زن‌های محل که باور نمی‌کردند نطفه از شوهر مرحوم آن زن باشد، هر کدام به توهم اینکه شوهر خودش پدر این کودک (به زعم آنان) نامشروع است، و با بعض و کینه‌ای فرورفته به بهانه تنبیه او را با سنگ و چوب و کتک از پای در می‌آورند. این واقعه در نیمة شعبان رخداده است! یکی از پیزنان، بچه را نجات می‌دهد اما مادر می‌میرد. تمامی اهل محل این راز فلخ را در دل خود نگاه می‌دارند و شاید به جریان این گناه جمعی، کودک را بزرگ می‌کنند. اما پس از بزرگ شدن کردک، هر سوال او را به بهانه نذر، در جشن‌های نیمة شعبان از جلوی چشم خود دور می‌کنند تا عذاب و جدان کمتری داشته باشند. حالا، بازگشت ناگهانی او به شهر و ادعای مکافše او، همه اهالی را تکان داده و به آشفتگی کشانده است. با کنجکاری و کمک یکی از نوجوانان محل، این جوان تدریجاً به حقیقت دست می‌باید و راز تولد دردنگش روشن می‌شود. این در حالی است که اهالی نیز دریافت‌های تنبیه و مجازات زن، ناشی از اشتباه و کینه شخصی و توهم محض بوده است....

در پایان، فردای نیمة شعبان، جوان بی خبر و ناگهانی، اهالی را ترک می‌کند و آن‌ها را با کوله‌باری سینگن از بهت پشیمانی باقی می‌گذارد....

طبعاً در این چند سطر نمی‌توان تمامی اجزا و حواشی داستان را بازگو کرد لیکن از همین فشرده نیز می‌توان به این نتیجه رسید که این داستان در بن مایه و اساس جندان ارتباطی با مفاهیم اصولی و اساسی انتظار طبق آزموده‌های قرآنی و روایی ندارد و بیشتر از هر چیز به خصلت‌های ناپسند و نامطلوب جامعه و انسان‌ها می‌پردازد.

شاید نقص اصلی داستان همین باشد که حادثه محوری و اصلی آن، که سرمنشأ تمامی حوادث و روابط و عکس _عمل‌های بعدی شخصیت‌ها و کاراکترهای داستان است،

تفسیری که به روایه‌ای از مان روز سرمه

زمانی که صبح می‌شد، رسول ﷺ می‌فرمود: «آیا بشارت دهنده‌ای هست؟» و مقصود حضرت، رؤیا بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

قالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: لَهُمُ الْبَشْرِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ: هِيَ الرُّؤْيَا الْخَسْنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَا؛^۱ شخصی درباره آیه «الله البشري...» از رسول خداوند پرسید. حضرت فرمود: «آن بشارت، رؤیای صادق است که مؤمن می‌بیند و در دنیای خود، به واسطه آن شادمان می‌شود.»

درباره رؤیا و اقسام و نقش آن و نیز دیدگاه قرآن و روایات در این زمینه در شماره‌های آینده انشاء الله به صورت گسترده به آن خواهیم پرداخت.

البته هر رؤیایی صادق نیست و معیارهایی دارد که باید با آن سنجیده شود. از جمله رؤیاهای صادقه، رؤیای مرحوم آیت الله طیب اللہ صاحب تفسیر اطیب البیان است که برای استفاده خوانندگان عزیز، عین متن آن را از تفسیر اطیب البیان می‌آوریم:

دیر زمانی بود که در خاطرم خطور می‌نمود کتابی در تفسیر قرآن بنگارم و روی این اندیشه حوزه‌های تفسیری تشکیل داده و جزوهای متفرقی در این باره به رشته تحریر درآورده بودم؛ ولی از طرفی عدم توانابی جسمی و قلت استعداد و اشتغالات درسی وعائق و گرفتاری‌های دنیوی، مرا از اقدام به این امر، منع بلکه مأیوس می‌نمود.

تا این که در شب سه شنبه پنجم جمادی الثانی سال ۱۳۸۰ هجری قمری مطابق با ۲۲ آبان ماه ۱۳۳۹ شمسی در محضر بعضی از علمای اعلام به مجلس سوگواری حضرت صدیقه طاهره علیها السلام موفق شده و ضمن توسل حالت وجدی در خود دیدم. از آن جا به منزل مراجعت نموده و در عالم رؤیا خدمت شامن الحجج علیها السلام و حضرت ولی عصر علیهم السلام مشرف شده و پس از مذکراتی که بین آن دو بزرگوار راجع به زوار شد، حضرت بقیه الله بعد از عنایاتی و ترضیه خاطری [= اعلام رضایت] نسبت به حقیر و مرؤجین دین، مرا امر به نوشتن تفسیری فرموده و وعده نصرت به من دادند.

بعد از آن که از خواب بیدار شدم، صدق رؤیای من ظاهر شده و وعده نصرت حضرتش تحقق یافته و من به نگارش و تألیف این کتاب به یاری حضرت رب الارباب و تاییدات حضرت حجت با تمام کوشش و اهتمام اقدام نمودم و از خداوند متعال مسأله می‌نمایم که توفیق اتمام آن را به این بندۀ ضعیف عنایت و مرا بیش از پیش در ترویج دین مین و نشر احکام حضرت سید المرسلین نصرت و یاری فرماید.

از پدیده‌های پیچیده‌ای که برای انسان رخ می‌دهد، رؤیا است. درباره ماهیت واقسام رؤیا، سخن بسیار است؛ از جمله آن‌ها بحثی فقهی است که آیا خواب حجت شرعی است یا نه؟

فقهای بزرگ براین مطلب توافق دارند که خواب دیدن نمی‌تواند مبنای تکلیف و حکمی شرعی قرار گیرد؛ برای نمونه اگر کسی در خواب، پیامبر ﷺ یا ائمه اطهار علیهم السلام را ببیند و با استناد به آن رؤیا، حدیثی از آنان نقل کند، ارزش و اعتباری ندارد.

حجت به پیک نکته هم

خواب دلیل شرعی نیست؛ ولی این بدان معنا نیست که فاقد ارزش‌های دیگر است. قرآن مجید، چندین رؤیا را نقل می‌کند که بیان کننده خبر یا پیامی شخصی بوده است یا از حوادث مهمی در آینده خبر داده‌اند؛ مانند خواب هم‌بندان یوسف علیهم السلام، رؤیای حضرت ابراهیم علیهم السلام، رؤیای پیامبر اکرم علیهم السلام و خواب پادشاه مصر.

در ذیل آیه «الله البشري فی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» روایات معتبری وارد شده است که مصداقی از این بشارتها را «رؤیاهای صادق» می‌داند.»

امام صادق علیهم السلام می‌فرماید:

رَأَى الْمُؤْمِنُ وَ رَؤْيَاةً فِي آخر الزَّمَانِ عَلَى سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ أَجْزَاءِ النَّبِيَّةِ؛^۲ رأی و رؤیای مؤمن در آخرالزمان، بر هفتاد جزء از اجزای نبوت است.

امام هشتم علیهم السلام می‌فرمود:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ لِاصْحَابِهِ: هَلْ مِنْ مُبَشِّرَاتٍ يَعْنِي بِهِ الرُّؤْيَا؟^۳

۱. برای مؤمن در زندگی دنیا و آخرت بشارت هست.

سوره یونس: ۶۴

۲. کلینی، یکانی، ج.۸، ص. ۹۱

۳. همان.



و چون در تفسیر آیات قرآن، از احادیث و بیانات خاندان نبوت و معادن علم و حکمت حضرت احادیث استفاده نمودم و حقاً که بیانات ایشان، بهترین و پاکیزه‌ترین بیانات در تفسیر قرآن بوده و این جامه تنها به قامت اینان راست آمده است، این کتاب را اطیب البیان فی تفسیر القرآن نامیدم و این هدیه ناقابل را حضور ولی عصر علیه السلام تقدیم می‌نمایم. در شب جمعه گذشته شب ۱۳ ذی الحجه در عالم رؤیا خدمت حضرت بقیة الله مشرف شدم؛ سندی بر این تفسیر تقاضا کردم؛ کاغذی به من مرحمت فرمودند. عرض کردم: «امضای خود شما را طالبم». حضرت نقطه‌ای در آن صفحه گذاشت که آن نقطه نور می‌داد. امیدوارم منظور نظر مبارک آن حضرت باشد و وسیله سعادت شود.^۱

﴿وَلِيَكُبَّاهُمْ أَلَّا طَيْبٌ لَا زَوْجٌ حَنِيدَاهُ﴾

حقیر بعد از ظهر هفتم محرم سال ۱۳۱۲ ق (برابر با ۳۰ تیر ۱۲۷۲ ش و ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۳ م) در یکی از محله‌های مرکز شهر اصفهان (معروف به محله نور در میان طایفه‌ای از سادات معروف به میر محمدصادقی) دیده به جهان گشودم.

من چهارمین فرزند خانواده و اولین پسر آن بودم، به این لحاظ آن گونه که نقل می‌کردند توجه مخصوص نزدیکان به سوی من جلب شده بود. با توجه به علاقه و اخلاق وافر پدر نسبت به آستان مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام من را عبدالحسین نامیدند، این نام از ابتداء برای من موجب برکات فراوان شده است و همواره نسبت به آن افتخار می‌کنم. هنگامی که من سومین بهار زندگی خود را سپری می‌کردم، نزدیکان با خود زمزمه داشتند که او نذر داشته نام فرزند خود را عبدالحسین بگذارد و می‌خواهد در اولین فرصت عبد را به محضر مولا ببرد.

سفر به عتبات مقدسه با توجه به امکانات آن روز مشکلات زیادی داشت، به این جهت پدر برای مراقبت از فرزند دلیند خویش، شخصی را اجير می‌کند تا در طول مسافرت مراقب عبدالحسین باشد. آن مسافرت قریب دو ماه به طول می‌انجامد، پس از بازگشت عبدالحسین، کودک چهار ساله آن روز، بسیاری از فرقات زیارت وارث و امین الله و بخشی از زیارت جامعه کبیره را بدون خطا از حفظ می‌خواند.

این امر را من طبیعی می‌دانم چرا که مولایی به مانند ابی عبدالله الحسین علیه السلام عبد آستان بوس خود را بدون صله و انعام نمی‌گذارد، صله و انعامی که نخستین بخش آن عشق و محبتی محکم و پیوند ناگستنی است با مولا. من در تمام ایام عمر خویش، از این صله و انعام، بهره‌ها برده‌ام و خود را نسبت به آن ممنون و سپاسگزار می‌دانم. نزدیکان، آن روز حفظ زیارات را به هوش و حافظه خوب کودک منتب می‌کردند، اما حقیر که بعدها دعای کمیل، زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره و زیارت چهارده معصوم را از حفظ می‌خواندم و اکنون در این ۹۵ سال زندگی هنوز جزئیات آن سفر مقدس را به خوبی به یاد دارم، آن را جز عنایت الهی و تفضل مولا می‌دانم.

بعد از این سفر مرا به مکتب خانه فرستادند و پس از فراغیری خواندن و نوشتمن، حساب، قرآن و نصاب الصیبان، راهی مدرسه علمیه شدم.

^۱ آیت الله طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۲۰

در ۱۲ سالگی طبق مشیت الهی از نعمت سرپرستی پدر محروم گردیدم، ولی از آنجا که طرق فضل الهی و عنایت باری تعالی محدود نیست، مادرم که بانوی بسیار بزرگوار و مقدس و همچون پدر، از شجره طبیه ولایت و از خاندان روحانیت بود، به تربیت من همت مخصوص گمارد. او مصمم‌تر و قوی‌تر از گذشته من را تشویق و تحریص به کسب علم و تحصیل معرفت می‌کرد و در این راه هیچ گاه از دعا و توسل فراموش نمی‌کرد و به قول خودش هر شب هنگام سحر، از خدا می‌خواست که: حسین را اهلش کند. از رهگذر این دعاهای خالصانه و تشویق‌های مشفقاته در من عزمی پیدا شد که توانستم ناملایمات پیش آمده از فقدان پدر را تحمل کرده و به طریق خود ادامه بدهم... .

در ابتدای طلبگی، در مدرسه میرزا مهدی حجره‌ای گرفتم و آنجا مشغول درس و بحث شدم، از ابتدای مقدمات تا معالم را خدمت مرحوم حاج آقا آخوند زفرهای بودم. معالم را خدمت مرحوم سید احمد خوانساری خواندم.

مرحوم آقای شیخ علوی یزدی که بسیار در ادبیات مسلط بود. در مدرسه صدر شرح لمعه می‌فرمود. این درس، بسیار خوب و متین و با آهنگی بلند گفته می‌شد، صدای خوب آن مرحوم در تمام مدرسه به گوش می‌رسید. شرح لمعه را من خدمت ایشان خواندم. نزد مرحوم آقای شیخ حسن یزدی منطق را خواندم.

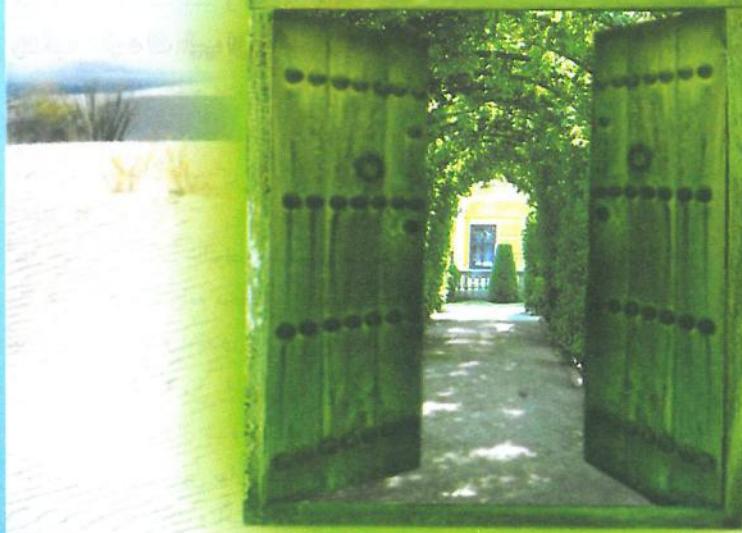
حکمت، حساب، جبر، مقابله، هیئت و نجوم را خدمت مرحوم اسد الله قمشهای حکیم، فرا گرفتم، بعد از اتمام دروس مقدمات از مدرسه میرزا مهدی به مدرسه جنب مسجد امام نقل مکان کردم و پس از آن به مدرسه چهار باغ (امام صادق علیه السلام) رفتم و آنجا رحل افتکندم... خدمت مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای، کتاب قوانین و تقریرات کفایه را خواندم، نزد مرحوم آخوند ملا عبدالکریم گری، متاجر شیخ را فرا گرفتم. فوائد الاصول را خدمت آقا میر محمد صادقی مدرس و کفایه را خدمت مرحوم دزفولی خواندم، دروس خارج فقه و اصول را، درس خارج اصول مرحوم میرمحمد صادقی مدرس و مرحوم محمدتقی مدرس شرکت می‌کرد و همچنین در درس خارج فقه مرحوم سید ابوالقاسم دهکردی نیز شرکت می‌جستم، عمدة فقه و اصول را در اصفهان، خدمت مرحوم آیت الله آقا سید محمدباقر درچه‌ای بودم، تقریباً مدت ۱۱ سال مرتب درس این بزرگوار می‌رفتم.

درست است که ثمره ظاهری این ۱۱ سال تحصیل مداوم خدمت ایشان مرا به درجه اجتهد رسانید اما آنچه مهم بود، من از آن مرحوم، درس زندگی، اخلاق و شخصیت را فراگرفتم... ^۲



مرحوم آیت الله طیب در سال ۱۳۷۰ دار فانی را وداع گفتند و به لقای معبدود خود شتافت. ایشان در قبرستان تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

وَمِنْ سَادِي



محمد صرفی

مختلفی قابل بررسی است که در این گفتار بهطور مختصر خواهد
آمد:

اقامه حدود، زمانی واجب می‌شود که شخص، دارای قدرت
باشد و مسلماً اگر امام زمان ع از قدرت کافی برخوردار نباشد،
نمی‌تواند به اجرای کامل حدود الهی بپردازد؛ لذا حضرت، در زمان
اجرای حدود، دارای قدرت کامل می‌باشد.

روش اجرای حدود توسط امام زمان ع

حضرت ولی عصر ع برای اجرای حدود، شیوه‌های گوناگونی را
در پیش خواهد گرفت:

- الف. با اجرای کارهای گسترش فرهنگی، ظالمان و گناهکاران
را به صراط مستقیم و قدم‌گذاردن در راه خیر و صلاح دعوت
می‌کند.

- ب. با ظهور حضرت ع نیازهای بشری به درستی تأمین
می‌شود و با اجرای عدالت مهدوی، راه بر فاسقان و بزهکاران بسته
می‌شود؛ ولی با این همه اگر عده‌ای حدود الهی را زیر پا گذاشتند و
پا را از حریم الهی فرا نهادند، با برخورد شدید حضرت ع مواجه
می‌شوند.

اجرای حدود الهی توسط یوسف زهراء ع برای بشریت، از
بارش چهل روز باران رحمت، مفیدتر است.

بدون شک، یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیای الهی و امامان
معصوم علیهم السلام اقامه حدود و قوانین زیبای الهی بین بشریت است.

امیرالمؤمنین، علی علیهم السلام می‌فرماید:
**اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّمَا لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مَنَا تَنَافَسَ فِي سُلْطَانِ وَلَا
الْتِنَاسَ مِنْ فَضْلُولِ الْحَطَّامِ وَلَكِنْ لِنُرِيَ الْمُغَالَمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ
الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنَ الظَّلَمُومُونَ مِنْ عِبَادِكِ؛**
پروردگارا! تو می‌دانی آنچه انجام داده‌ایم، نه برای

رغبت به سلطنت بوده است و نه برای به دست آوردن
چیزی از متعاع و بهره دنیا؛ بلکه برای این که آثار دین تو را
باز گردانیم و در شهرهای تو اصلاح را آشکار سازیم، تا
بندگان ستمدیده تو ایمن گردند و آنچه از حدود تو فرو
گذاشته شده است، بر پا داشته شود.

با نگاهی کوتاه به جهان در می‌باییم سنن و فرایض الهی به
درستی اجرا نمی‌شود و حدود الهی بر زمین مانده است.

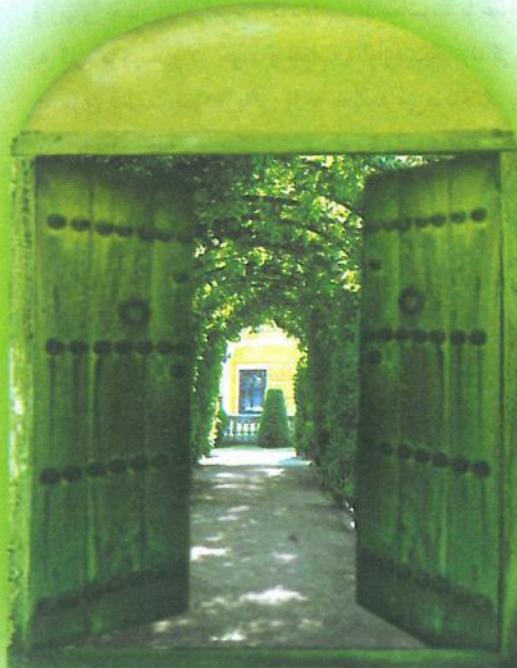
با ظهور حضرت حجت ع حدود الهی اقامه و احکام خداوند
متعال توسط آن حضرت اجرا خواهد شد. این مهم، از زوایای

يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا
هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمَّ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ
جَدِيداً^۶

مهدی^{علیه السلام}: طبق شیوه رسول خدا^{علیه السلام} رفتار می کند
و آنچه از نشانه های گذشته باشد، از میان می برد؛
همان گونه که پیامبر^{علیه السلام} نشانه های جاهلیت را از بین
برد و با از بین بردن بدعت ها، اسلام را از نو پیاده
می کند.



پس بیایید دست به ندبه برداریم که:
این المؤمل لاحیه الكتاب و حدوده، این مُحییی معالم
الدین و اهله...^۷
کجا است آن مورد آرزو برای زنده کردن کتاب
قرآن و حدود آن؟ کجا است زنده کننده نشانه های دین
و اهل آن.



۶. غیبت نعمانی، ص ۲۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۷. مفاتیح الجنان، دعای شریف ندبه.

امام کاظم^{علیه السلام} در تفسیر آیه شریف «یحیی الارضَ بَعْدَ
موتها»^۸ خداوند زمین را پس از مرگ، زنده می کند»
می فرماید:

منظور این نیست که خداوند، زمین را با باران زنده
می کند؛ بلکه خداوند مردانه بر می انگیزاند که زمین را
با زنده کردن عدل و اقامه حد در آن، زندگی می بخشنند
و اقامه حد در زمین، برای زمین مفیدتر است از چهل
روز باران پیاپی.^۹

اجرای کامل قوانین الهی

در عصر ظهور، قوانین الهی به طور کامل و همه جانبه اجرا
خواهد شد. امام صادق^{علیه السلام} می فرماید:
جای پایی روی زمین باقی نمی ماند؛ جز این که به آنجا گام
می نهد و آینینی را که از سوی خداوند واجب شده است، اقامه
می کند.^{۱۰}

امام صادق^{علیه السلام} در حدیث دیگر می فرماید:
فَلَا يَتُرُكُ بِدُعَةً إِلَّا أَذَّهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَمَهَا^{۱۱}
همه بدعت ها را از بین می برد و همه سنن الهی را
بر پا می کند.

احیای دین

با اجرای حدود و قوانین الهی توسط بقیه الله الاعظم^{علیه السلام}
دین مبین اسلام احیا می شود.

امام صادق^{علیه السلام} می فرماید:
وقتی قائم^{ما} قیام کند و سخنگوی ما سخن
بگوید، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر
اسلام^{علیه السلام} نازل شده است، به شما می آموزد.^{۱۲}
صادق آل محمد^{علیهم السلام} در حدیث دیگری می فرماید:

۱. حدید: ۱۷.

۲. کافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۴۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۲۶.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.



مرد برادر صدر هما سال

علمی در تفسیر و فلسفه درخشید و مقام شایسته او نزد دیگران مشخص شد؛ لذا طلبایی که دنبال دانش بودن، دور او حلقه زدن و از او کسب دانش نمودند. از جمله شاگردانش، می‌توان آیت الله شهید مطهری، آیت الله شهید بهشتی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی را نام برد که هر یک، مانند خورشیدی در عالم علم و عمل درخشیدند و نتیجه زحمات همان استاد فرزانه بود.

آثار علمی علامه عبارتند از: ۱. تفسیر المیزان، ۲. اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۳. حاشیه بر اسفرار، ۴. شیعه در اسلام، ۵. بدایه و نهایه، ۶. قرآن در اسلام و... .

در مورد شخصیت علامه از زبان شاگرد بزرگوارش، آیت الله مطهری این گونه آمده است:

این مرد، واقعاً یکی از خدمتگزاران بسیار، بزرگ اسلام است. او به راستی مجسمه تقوا و معنویت است. در تهذیب نفس و تقوا، مقامات بسیار عالی طی کرده، کتاب تفسیر المیزان ایشان، یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است. من می‌توانم ادعا کنم بهترین تفسیری است که میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا به امروز نوشته شده است. او بسیار بسیار مرد عظیم و جلیل القدری است. مردی است که صد سال دیگر تازه باید بشنیند و افکار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند.... .

علامه در تفسیر المیزان، ذیل بعضی از آیات، دیدگاه خود را درباره مهدویت مطرح کرده است. او به خصوصیات نوع انسان و جوامع انسانی می‌پردازد؛ از جمله درباره گرایش نوع انسان به صلاح و رفع فساد اشاره می‌کند که مطابق فطرت آن‌ها آست؛ اما گاهی در اثر عوامل محیطی و سلطه منحرفان و مستکبران، آزادی فکری و فطری انسان گرفته شده و غبار بر آن نشسته است، ولی بر اساس وعده‌ای الهی در کتب آسمانی، سرانجام جهان، از آن پرهیزگاران و صالحان خواهد بود. علامه، ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره جایگاه امام را مطرح و نقش امام را در جهان هستی از حيث تکوین و تشریع بررسی کرده است. همچنین علامه، مهدویت را یک سیر نظام دنیوی و جریان سنت‌ها و وعده‌های الهی دانسته است. او، مهدویت را یک امر حتمی و فطری می‌دانست. برای شناخت بیشتر دیدگاه علامه درباره مهدویت، لازم است به تفسیر المیزان رجوع شود.

سرانجام پس از عمری تلاش در به دست آوردن علم محمدی علیه السلام در تاریخ ۱۳۶۰ش دار فانی را وداع کرده و به سوی معبد خویش شتافت و در کنار مرقد مطهر کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد!

یکی از برجسته‌ترین چهره‌ها و بارزترین نامه‌اکه بر تاریخ تاریخ تشیع می‌درشد. سلامه پاک پیامبر اسلام علیه السلام و صاحب تفسیر گرانسنج المیزان، علامه آیت الله سید محمدحسین طباطبائی است.

حجت حیدری چهواتی او در روز بیست و نهم ذی القعده سال ۱۳۲۱ق در شادآباد،

از توابع شهرستان تبریز در خانواده سادات طباطبائی دیده به جهان گشود. اجداد او تا چهارده پشت، همه از دانشمندان و علمای بنام تبریز بودند. علامه، در سن پنج سالگی مادر عزیز و در نه سالگی، پدر بزرگوارش را از دست داد.

این بزرگ مرد تاریخ، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خویش دنبال کرد و همراه کسب علم، مراحل سیر و سلوک را پیشنه خویش قرار داد. همین امر، موجب شد شامل عنایات پروردگار قرار گیرد. خود او این گونه می‌فرماید:

در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این جهت، هر چه می‌خواندم، برای من قابل فهم نبود. چهار سال به همین صورت گذشت، تا آن که یکباره عنایت الهی دامن گیرم شد، عوضم کرد و در خود، یک نوع شیفتگی و بی‌تابی به تحصیل کمال حس نمودم؛ به‌طوری که از همان روز تا پایان تحصیل که تقریباً هیجده سال طول کشید، هرگز از تعليم و تفکر احساس خستگی و دلسوزی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش کردم؛ بساط معاشرت با غیرااهل علم را به کلی برچیدم و در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد (به ویژه در بهار و تابستان) شب را تا طلوع آفتاب به مطالعه می‌پرداختم.

این است دلیل پیشرفت بزرگان که همراه با بال علم، بال تقوا را می‌گشایند تا پروازی به اوج قله معرفت داشته باشند.

علامه پس از تحصیل مقدماتی در تبریز، همراه برادر کوچک‌تر و بسیار بزرگوارش سید محمدحسن وارد نجف شد و مدت ده سال در آن دیار مقدس ادامه تحصیل داد. اساتید او در نجف متعدد بودند. استادان او در اصول و فقه آیت الله نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین اصفهانی، در کلیات علم رجال آیت الله حجت کوه‌کمره‌ای و در فلسفه، سید ابوالقاسم خوانساری و سید حسین بادکوبه‌ای بوده‌اند.

او اخلاق و عرفان را نزد عارف نامدار، آیت الله حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبائی که از بستگانش بود، فرا گرفت. علامه، به شدت تحت تأثیر او بوده است.

علامه پس از کسب درجات عالیه علم و اخلاق، به زادگاه خود برگشت.

مدتی بعد، بر اثر جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۶۵ق از تبریز به قم مهاجرت کرد. آن جاستاره علمی اش در تدریس و اداره بحث‌های

رمضان و بزرگیها

ایوں القاسم لطیف‌زاده

در اولین فراز این دعای شریف، از خداوند متعال می‌خواهیم: «خدایا! بر
اهل قبور، نشاط و سور عطا کن.»

در کدامین روز، اهل قبور و مردگان، شادمان و مسروق خواهد شد و فرح
و شادمانی به درون قبرها نیز نفوذ خواهد کرد؟

پاسخ، این است که این زمان، زمانی خواهد بود، مگر آن هنگام که
مهدی منتظر علیه السلام پرده از رخ بگشاید و با ظهورش همگان را- حتی
مردگان داخل قبر را- شادمان کند.

امام صادق علیه السلام درباره شادی و سور مؤمنانی که سال‌های زیادی انتظار
ظهور قائم را کشیده و از دنیا رفتند، می‌فرماید:

گویا می‌بینم قائم را بر پشت کوفه؛ در حالی که زره رسول الله علیه السلام را
پوشیده... و در آن حال، هیچ مؤمنی در قبر نمی‌ماند مگر این که شادی و
سور در قبر او داخل می‌شود و این، در حالی است که آن‌ها در قبرها
به دیدار هم می‌شتابند و قیام آن حضرت را به یکدیگر مژده می‌دهند. ^۳
آری در آن زمان است که در تمام عوالم- از فرشیان تا عرشیان و از
پرنده‌هاش هیچ لطف و عنایتی را از آنان دریغ نفرموده و تمام برکات را
مظلومان بی‌پناه تا قبر منتظران چشم به راه- شادی و سور بر پا خواهد
شد.

اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ

در دومین فراز این دعای شریف، از پروردگار عالمیان، این گونه
می‌خواهیم: «خدایا! هر فقیر را بی‌نیاز کن.»

ریشه کن شدن فقر و برپایی رفاه اقتصادی و رفع همه نیازها جز در
سایه اکسیر عدالت ممکن خواهد بود و با اجرای اصل عدالت اجتماعی
و برپایی قسط قرآنی این مهم، امکان پذیر خواهد بود. فقر، میوه فاسد
درخت بی‌عدالتی است و آن‌گاه که عدالت بر جامعه حاکم شود، فقر
معنای خواهد داشت: همان‌طور که امام صادق علیه السلام در این زمینه
می‌فرماید:

... إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْفِلُونَ إِذَا عُدِلَّ بَيْنَهُمْ ... ^۴ مردمان بی‌نیاز می‌شوند
آن‌گاه که عدالت، بینشان حکمفرما باشد.

روی همین اصل، در دولت عدل مهدوی، فقر ریشه کن خواهد شد و
بی‌نیازی تمام جامعه را فرا خواهد گرفت و خداوند برکاتش را بر مردم
فرو خواهد فرستاد.

پیامبر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در زمان مهدی علیه السلام... مال همی خرم شود هر کس نزد مهدی آید و
بگوید: «به من مالی ده «مهدی بی‌درنگ بگوید: «بگیر». ^۵

قطعاً تمام این بخشش‌های حضرت، نتیجه مساوات و عدالت است که او
برقرار خواهد کرد و در نهایت، منجر به رفع فقر و بی‌نیازی در جامعه
می‌شود.

اللَّهُمَّ أَشْيِعْ كُلَّ جَائِعٍ

«خدایا! هر گرسنه را سیر کن»

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الهی، ماه تنزیل قرآن و ریزش باران
وحی و وزش نسیم مهر خداوندی یک بار دیگر با آمدنش دل‌های عاشق
و خسته را غرق شادی و شفف کرد.

خداوند بزرگ، در این ماه با فراخوانی بندگان خویش بر خوان
گسترده‌اش هیچ لطف و عنایتی را از آنان دریغ نفرموده و تمام برکات را
در دسترس آنان قرار داده است.

در این ماه مبارک، درهای بهشت، باز و درهای جهنم، بسته شده است
و شیاطین در زنجیرند و این الطاف، زمینه التفات و توجه بندگان را به
ذات اقدس الهی فراهم و جان‌تشنه آنان را مهیای دریافت پیام‌های
هدایت و سعادت کرده است.

ماه مبارک رمضان، ماه توبه و بازگشت به خداوند رؤوف و غفور و ماه
تضرع و استغاثه و دعا و نیایش به درگاه پروردگار عالمیان است؛ ماهی
که به فرموده پیامبر گرامی اسلام علیه السلام:

دعای شما در این ماه مستجاب است^۶

یکی از دعاهای این ماه دعا: «اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ...»
است. در روایتی از نبی مکرم اسلام علیه السلام نقل شده است که آن حضرت
فرمود:

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند، حق
تعالی گناهان او را تا روز قیامت بیامزد.^۷

نکته جالب و قابل توجه، این که با دقت و تأمل در بسیاری از روایات
عصر ظهور متوجه خواهیم شد تمام این خواست‌ها و آرمان‌های والای
انسانی و اهداف متعالی در این دعا، در دولت کریمه «قائم آل
محمد علیه السلام» و آن عدل منتظر علیه السلام تحقق خواهد یافت و جلوه تام و تمام

هر چه در این دعا شریف آمده است، در دولت مهدی علیه السلام جلوه‌گر
خواهد شد؛ لذا مهمنان خدا در این موسم سرسبزی و خرمی دل‌های با
زمزمه این دعا ظهور آن حجت خدا و خاتم اوصیاء علیه السلام را از معبود
خویش می‌طلبد. در این نوشتار، فرازهایی از این دعا شریف را با
استناد به روایات و احادیث معصومان علیهم السلام تبیین می‌کنیم:

اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳

۴. کافی، ج ۳، ص ۶۶۸

۵. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۶۱۷

۱. عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰

۲. بلدالامین، ص ۲۲۲؛ مصباح‌کفعمی، فصل ۴۵، ص ۶۱۷

رفع، و بلایا و گرفتاری‌ها را از جامعه - خصوصاً شیعیانش - دفع می‌کند.

پیامبر اکرم علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

یفرج الله بالمهدي عن الامة^۹

خداؤنده، به وسیله مهدی علیه السلام از امت رفع گرفتاری می‌کند.

و در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده است:

به دست او [مهدي] خداوند، روزگار آزمندی و سختی و فشار را به سر می‌آورد.^{۱۰}

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

او برطرف کننده رنج‌ها و اندوه‌ها از شیعیان است، بعد از اندوهی سخت و بلای طولانی و ستمی جانکاه، خوش با حال آنان که آن زمان را در کنند!^{۱۱}

خدود آن حضرت علیه السلام می‌فرماید:

انا خاتم الاوصياء و بي يدفع الله عن اهلي و شيعتي^{۱۲} من خاتم اوصياء هستم. خداوند، به وسیله من، بلاها و گرفتاری‌ها را از خاندان و شیعیانم دفع می‌کند.

اللَّهُمَّ فُكْ كُلَّ أَسْيَرٍ

«خدایا! همه اسیران را آزاد فرما»

او است عدل منتظر که همه اسیران در بنده، به دست او از قید اسارت آزاد می‌شوند و از همه گرفتاران، رفع گرفتاری می‌شود و هر تبعیدی و اسیر دور از وطن و خانواده، به آغوش میهن خویش و کانون گرم خانواده‌اش باز می‌گردد و حلاوت زندگی در پرتو عدل را در می‌باید.

رسول گرامی اسلام علیه السلام از این مطلب خبر داده و فرموده: خداوند، مردی از بهترین فرزندان و پاک‌ترین عترت من بر می‌انگیزد که سرپا عدل و برکت و پاکی است که... به وسیله او همه اسیران اسلامی را هر کجا باشند، آزاد می‌سازد.^{۱۳}

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِّنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

«خداؤنده! همه مفاسد امور مسلمین را اصلاح فرما».

با دست الهی آن مصلح کل، هر فساد و مفسدی از جامعه ریشه کن و بساط ظلم و ستم و بی‌عدالتی از جامعه برچیده خواهد شد. خداوند، به وسیله او آتش فتنه‌ها را خاموش و عدالت و امنیت را بر تمام دنیا حاکم خواهد کرد. پیامبر اکرم علیه السلام می‌فرماید:

لیصلح الامة بعد فسادها^{۱۴}

۹. بخار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵؛ غیبت طوسی، ص ۱۱۴.

۱۰. بخار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

۱۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۸۱.

۱۲. بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۱۳. الملائم و الفتن، ص ۱۰۸ به نقل از روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۰.

۱۴. بخار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

اگر او باید، گرسنگان، طعم تلخ گرسنگی را فراموش خواهند کرد و بینوایان، به نوایی می‌رسند و طعم غذا را به آنان می‌چشاند. امام

صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

يلعل المساكين الزيد...^{۱۵}

به بینوایان، طعم کرده را می‌چشاند.

در عصری که ثروت، از دست طبقه خاص (تروت اندوزان و غارتگران اموال عمومی) خارج شود و ثروت‌های جامعه در مسیر نیازهای عمومی آن مصرف شود، آیا می‌توان تصور کرد فردی گرسته بماند؟ اگر جامعه به این مرحله از عدالت و کمال برسد، قطعاً نه گرسنهای خواهد ماند، نه یک فرد نیازمند به صدقات.

اللَّهُمَّ اكْسِ كُلَّ غُرْبَانَ

خدایا برهنگان را بیوشنان.

در دولتی کریمانه که رهبری بخششده چون مهدی علیه السلام داشته باشد،

برهنگی از دامان جامعه رخت خواهد بست؛ زیرا:

المهدی سمح بالمال؛^{۱۶}

مهدی، بخششده‌است که مال را به وفور می‌بخشد.

یکون عطاوه هنیئاً^{۱۷} عطایش گوارا می‌باشد.

اللَّهُمَّ افْضِلِ دِينَ كُلَّ مَدِينَ

«خداؤنده! دین هر میونی را ادا کن».

او قرض مقروضان را ادا خواهد نمود و دین همه بدھکاران را ادا خواهد کرد. آن روز که او باید، بدھکاری نمی‌ماند مگر این که آن حضرت بدھی او را پرداخت می‌کند تا آن جا که حتی اگر کسی کشته شود نیز بدھی‌اش را پرداخت خواهد کرد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

[در آن روز] بدھکاری نمی‌ماند، مگر این که بدھی او پرداخت شود [به وسیله حضرت] مظلمه و حقی بر گردن کسی نمی‌ماند، جز این که به صاحب حق باز گردانده می‌شود. کسی کشته نمی‌شود، مگر این که دیه او را می‌بردازد و هیچ کسی به قتل نمی‌رسد، مگر این که بدھی‌های او را می‌بردازد و خانواده‌اش را چون دیگر افراد اداره می‌کند [و نام خانواده‌اش را در بخش عطایا مقرر می‌نماید].

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ

«خدایا! هر گرفتاری را گشایش عطا کن»

او است که با عنایت خداوند قادر متعال، غم و اندوه را از دل‌های شیعیان

۱۵. الامام المهدی، ص ۲۷۱.

۱۶. امام باقر علیه السلام، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۱۷. پیامبر اکرم علیه السلام، بخار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

پس خداوند با قدرت خود، او را در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد، ظاهر می‌سازد، تا بدانند که خداوند بر هر کاری توانا است.^{۱۶}

آری؛ کنار رفتن پرده غیبت و ظاهرشدن آخرین ذخیره الهی و آخرین خورشید عالمتاب آسمان ولایت و امامت به اذن و اراده او است.^{۱۷} دعاهای ما نیز بی تأثیر نبوده و نیست؛ همان طور که خود آن وجود نازنین ما را به دعا برای تعجیل فرج امر کرده است:

أَكْرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛^{۱۸}

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید و خود حضرت نیز برای فرج دعا می‌کند.

محمد بن عثمان عمری، دومین سفير آن حضرت نقل می‌کند: آن حضرت را برای آخرین بار، در مکه کنار خانه خدا دیدم که دست به دعا برداشته و عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»^{۱۹} بار خدایا! آنچه به من وعده کرده‌ای، انجام ده.

لذا بر دلدادگان آن مهر تابان و آن پیدای پنهان، لازم است در این ماه بزرگ و ماه قبول دعاها، همواره بر این دعای شریف «اللهم کن لولیک الحجه ابن‌الحسن...» اصرار بورزنده و ظهور حضرتش را خالصانه از خداوند متعال بخواهند.



خداوند، [به وسیله حضرت مهدی] این امت را پس از آن که تباہ شده‌اند، اصلاح می‌کند.

اللَّهُمَّ اشْفُ كُلُّ مَرِيضٍ

«خداوند! به همه بیماران شفا عنایت کن»

چون در روزگار حضرت مهدی رشد علمی و فرهنگی در جامعه به اوج و تکامل می‌رسد و بهداشت و درمان در حد مطلوب آن وجود دارد، بیماری‌ها کاهش یافته و تعداد اندکی از مردم به بیماری دچار می‌شوند. افزون بر این که بسیاری از بیماران غیرقابل درمان با مدد الهی به دست آن حضرت بهمود می‌یابند؛ پس به جرأت می‌توان گفت در حکومت اوست که همه بیماران بهمود می‌یابند. امام حسین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

و لا يقى على وجه الأرض أعمى ولا مقعد ولا مبتلى إلا كشف الله عنه بلاءه بنا!^{۲۰}

هیچ نایبی، زمین‌گیر و دردمندی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر آن که خداوند، درد او را به وسیله ما بطرف می‌سازد.

اللَّهُمَّ غَيْرُ شُوَّهٍ حَالَنَا بِعُسْنِ حَالِكِ

«خدایا! بد حالی ما را به نیکویی حال خودت تغییر ده»^{۲۱} چه روزی بدهالی‌ها به خوشحالی تبدیل خواهد شد؟ این سوالی است که بسیاری از افراد، دنبال پاسخ آن هستند؛ ولی با رجوع به فطرت خدای انسان، به این پاسخ خواهیم رسید. آن روزی بد حالی‌ها به خوشحالی مبدل خواهد شد که ظلم و ستم، حرص و طمع، بغض و کینه از جامعه رخت بر بند و اختلافات مرتفع شود؛ روزی که استبداد و استعمار ریشه کن شود؛ روزی که فقر و فساد و بی‌عدالتی از دامن جامعه زدوده شود؛ روزی که عدل و داد سراسر جهان را فرآیند؛ روزی که صفا و صمیمیت و امنیت و آرامش بر جامعه حاکم شود؛ روزی که ندای توحید، همه جهان را فراگیرد و روزی که حقوق انسان‌ها محترم شمرد شود؛ روزی که انسان‌ها در پرتو تربیت الهی به مرحله رشد و کمال و فرزانگی علمی و اخلاقی برسند و ... همه این موارد و اصلًا تمام فضائل و کمالات، در دولت ولی عصر تجلی عینی پیدا خواهد کرد.

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

«خداوند! تو بر هر چیز توانایی.»

در آخرين فراز اين دعای شریف، میهمانان خدا با اعتراف به قدرت لايزال الهی می‌گويند: «تو بر هر امر، قادر و توانایی» و ظهور موفور السرور آخرين حجت الهی، یوسف زهرای علیه السلام نیز به دست تو است.

مولود خجسته نیمة این ماه مبارک، امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می‌فرماید:

_____ ۱۵. بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲

۱۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۵۸۲

۱۷. امام مهدی می‌فرماید: «فلا ظهور الا بعد اذن الله؛ ظهوری نیست مگر بعد از اذن الله» بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۵.

۱۸. بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۱۹. همان، ج ۵۱، ص ۳۵۱ و ج ۵۲، ص ۳۰.

سـر آرزو



لِهٰوَالْخَيْلِ فَيْرَوْزِی

بی گمان خواهد آمد

در صبح یک آدینه!

با رایت آفتاب بر دوش،

تا آن را بر بلندای گیتی به اهتزاز در آورد.

او می آید

تا با آذربخش ذوالفارش

سینه شب را بشکافد!

و خورشید خدا را نمایان سازد!

او می آید زیباتر از هر نگاه، و خوب تر از صد هزار بهار!

او می آید و از بادهای خزانی، انتقام همه لاله های پر پر را می گیرد!

همان بهاری که لاله ها به احترام او برخاسته اند

و آن نگاری که نرگس ها نگران مقدم اویند.

او خواهد آمد و شهری خواهد ساخت؛

به زیبایی بهشت، به وسعت تاریخ در گستره هستی.

شهری خرم؛ شهری آباد؛ شهری خالی از بیداد.

او خواهد آمد و شهری خواهد ساخت که در رؤیا نمی آید و در خیال

نمی گنجد.

همان شهر آرزوها، شهر آینه ها، شهر آبی ها، شهر همیشه بهار؛

شهری که آفتابش همیشه لبخند می زند؛

شهری که آسمانش سبز است؛ درختانش سبزند و هیچ گاه رخت خزان

نمی پوشند.

شهری که آسمان هر کجاش، یک رنگ است؛ هوای هر بامش

تابستانی است.

در کنار کاخ هایش، کوخ ها خراب نشده اند؛ چینه هایش کوتاه است و

کسی برای دیدن آسمان، کلاهش نمی افتد.

شهری که سنگ فرش خیابان هایش، بال فرشتگان است.

از کوچه هایش بوی یاس می آید.

در تمام خانه هایش عطر گل محمدی می وزد.

و از پارک هایش، نسیم بهشت به مشام می رسد؛ شهری که شیطان در آن پرسه نمی زند؛ نگاهها مسوم نیست.

گوشها حرف ناحق نمی شوند؛ زبانها لغو نمی گویند و دهانها گوشت مرده مسلمانی را نمی جوند. شهری که در آن گل را نمی فروشند؛ مسلمان از مسلمان سود نمی سرد؛ کسی از کسی را نمی گیرد. لباسها را با مد روز نمی دوزند؛ زیبایی هایش تحملی نیست. کسی زیبایی اش را به رخ دیگران نمی کشد؛ بر مالش نمی نازد طلاقه کرده اند و مهریه زنانش مهر کربلا و مهر زهراء است.

شهری که الگوی مردانش محمد علیه السلام و علی علیه السلام و اسوة زنانش فاطمه و زینب علیه السلام است. الگوی جوانش حسن و حسین علیه السلام دو آقای جوانان بهشتند.

شهری که در آن گردن گردنشان شکسته، زنجیر برده ها گستته، دست شیاطین بسته و هر کس در جای خود نشسته و کسی راه حق را نسته است. شهری که ساکنانش شناسنامه ندارند؛ هر کس به سیمایش شناخته می شود و دیوارش آینه کاری است.

شهری که در آن همه از حرام متفرقند؛ چرا که حلال را چشیده اند؛ شهری که معروف مشهور است و منکر، منفور.

واژه ظلم و ستم از فرهنگش رفته و قاموس قسط و عدالت میان همه تقسیم شده است. در آن شهر، مسجدها سرد نیست، میکده عشق گرم است. در خانقه سعای نیست و در مراسم شادی، غفلت نمی رقصد و کسی کف باطل نمی زند.

شهری که دنیا به مردمش رو آورده؛ ولی آنها از دنیا گریزانند؛ بوی اسراف از زیله هایش به مشام نمی رسد و در مصرف هر چیز میانه روی می شود.

شهری که در آن رفتارها آلوده به ریا نیستند و کسی زهد نمی‌فروشد و به فسق مبهات نمی‌کند. گرگ لیاس میش نمی‌پوشد؛ تماسح اشک نمی‌ریزد؛ دست التماس نفس، به سوی کسی دراز نمی‌شود و پای تجاوز به حریم دیگران وارد نمی‌گردد.

شهری که در آن دل نمی‌گیرد؛ حوصله سر نمی‌رود، آدم‌هایش کاریکاتوری رشد نکرده‌اند؛ نسل کشی نیست؛ خودکشی نیست و غوغای زندگی بربرا است.

شهری که در آن زمین‌ها بی‌مرز است؛ پرچم‌ها یک رنگ است؛ زندگی زیبا است. عطر وحدت از همه جا به مشام می‌رسد و جز محارم چیزی اختصاصی نیست.

شهری که باران عشق باریده، شبنم شوق بر گلبرگ‌ها چکیده و سبزه معرفت روییده، گل یک رنگی جوشیده و آفتاب حق، همه جا دمیده و همه به آرزوهایشان رسیده‌اند.

شهری چنان که در خاطر نگنجد؛ در خیال نیاید و به هیچ دلی خطور نکرده است که خدا برای بندگان صالحش، در چنین شهری چه روشی‌هایی مهیا کرده است.

خدایا! ما مشتاقان چنین شهری هستیم؛ شهری که در آن دولت با کرامت خلیفة تو بربرا است. همان امامی که انبیا به احترام او برخاسته‌اند. آن موعود سبزیویشی که وعده ازلی و تخلف‌ناپذیر تو در آن حاکمیت دارد دولت دین را در پناهش عزت و سربلندی می‌بخشی و نفاق و کفر اهلش را ذلیل و خوار می‌گردانی.

مهربانا! از تو می‌خواهیم که ما را در آن دولت حق، اهل دعوت به طاعت و از پیشوایان راه هدایت قرار دهی و به واسطه آن امام بزرگوار به ما بزرگی و کرامت و خیر دنیا و آخرت را عطا فرمایی.

BBC

علی مهدویت

علی محمدپور



موضوع مهدویت می‌پردازیم، تا متوجه شوید این رسانه پیر با شیوه‌های جدیدش چگونه به بیانه چندخبر راست، دروغ‌های بزرگ را در ذهن خواننده‌ها می‌کارد و چگونه شباهه‌ها را مثل تخم علف‌های هرز می‌پرآکند.

شاید پرسید چرا مهدویت؟ جواب، ساده و صریح است؛ چون در دنیای امروز، اندیشه شیعه و تفکر مهدویت است که همه خواب‌های امپریالیسم جهانی و صهیونیسم را به کابوس تبدیل می‌کند و دستشان را رو می‌نماید.

تفکر شیعه، موجی را در دنیا ایجاد کرده است که همه تارهای عنکبوتی آن‌ها را ویران، و چشم‌های به خواب رفته را بیدار کرده است. شاید باورش برای شما هم سخت باشد که آن‌ها با همه ابزارهای رسانه‌ای و پیشرفت‌های علمی و ابزارهای جنگی و ...، بزرگ‌ترین کابوسشان را شیعه می‌دانند و از هیچ تلاشی برای ریشه‌کنی این تفکر دست برنمی‌دارند.

تفکر شیعه از ریشه‌هایی تشکیل شده که در همیشه تاریخ، برابر استعمارگران و مستکبران تاریخ ایستاده و آن‌ها را به نابودی کشانده است: یکی تفکر سرخ (حسینی) شیعه است که مرگ را می‌پذیرد؛ اما ظلم و استثمار را هرگز.

دیگری تفکر سبز (مهدوی) شیعه است که همیشه ایمان به حضور منجی موعود و امید آمدنش، آن را

گویی موضوع مهدویت از دل مشغولی‌های بی‌بی‌سی شده است این شبکه، به مناسبهای مختلف، به این موضوع پرداخته و با نیرنگ‌های زیرکانه و شباهه‌های زهرآگین خود سعی می‌کند ذهن خواننده‌ها را از مسیر حقیقت منحرف کند. بی‌بی‌سی نماینده رسانه‌ای تفکری است که قرن‌ها دنیا را به استعمار کشیده و بارها با ایجاد مدعیان دروغین مهدویت در اسلام و مسیحیت، تلاش کرده است به اهداف شوم خود برسد.

شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید همیشه دولت انگلیس از طرفداران مدعیان دروغین مهدویت بوده است و در طول قرن‌های گذشته، بارها مدعیان مختلفی را برای ایجاد شکاف در اعتقادات مردم تراشیده است.

نطفه تولد بسیاری از مدعیان دروغین مهدویت در گذشته و حال، توسط صاحبان اصلی این رسانه ایجاد شده است.

بی‌بی‌سی به تربیونی تبدیل شده است که علاوه بر مخالفت‌های سیاسی با دولت جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد با ایجاد شباهه‌ها و تزریق دروغ‌هایی در ذهن جوانان، پایه‌های اعتقادی مردم ایران را سست کند.

ما این جا قصد پرداختن به انواع استعمار رسانه‌ای بی‌بی‌سی را نداریم و فقط به توجه خاصش به

می‌تواند آشتفتگی ایجاد کند و گرنه، دیگر تاثیری در افکار مردم ندارد.

اما امواج شیطانی استعمار پیر، سعی در حذف صورت مسأله دارد سعی دارد القا کند که مهدویت، خرافه‌ای بیش نیست و این فکر، در طول تاریخ به هزار و یک علت مثل حمله مغول‌ها و ... به وجود آمده است. بی‌بی‌سی آن قدر کارشناس در اختیار دارد که سعی کند از جدیدترین موضوعات روز برای زیر سؤال بردن سندیت و حقیقی بودن مهدویت استفاده نماید. حتی روحانی‌نماهایی که از ملت بریدند و در دامن استعمار پیر افتادند، گاه با نوشتن نقدها و یادداشت‌هایی سعی در بی‌ریشه جلوه دادن موضوعاتی مثل مهدویت می‌کنند.

در شماره بعد، با استفاده از گزارش‌های بی‌بی‌سی خواهیم گفت که بی‌بی‌سی درباره مهدویت دنبال چیست و چگونه تلاش دارد شبه‌ها را در دل‌ها بکارد و افکار مردم را مسموم کند.

به ایستادگی و آمادگی واداشته است.

اکنون که عصر رسانه‌ها است و استعمار نوین، از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود، رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی همه تلاش خود را برای خشکاندن این ریشه‌ها به کار می‌گیرند و گاه با بد جلوه دادن عاشورای حسینی و گاه با توهمندی دانستن انتظار مهدوی سعی می‌کنند شیعیان را از این دو ریشه اساسی جدا کنند.

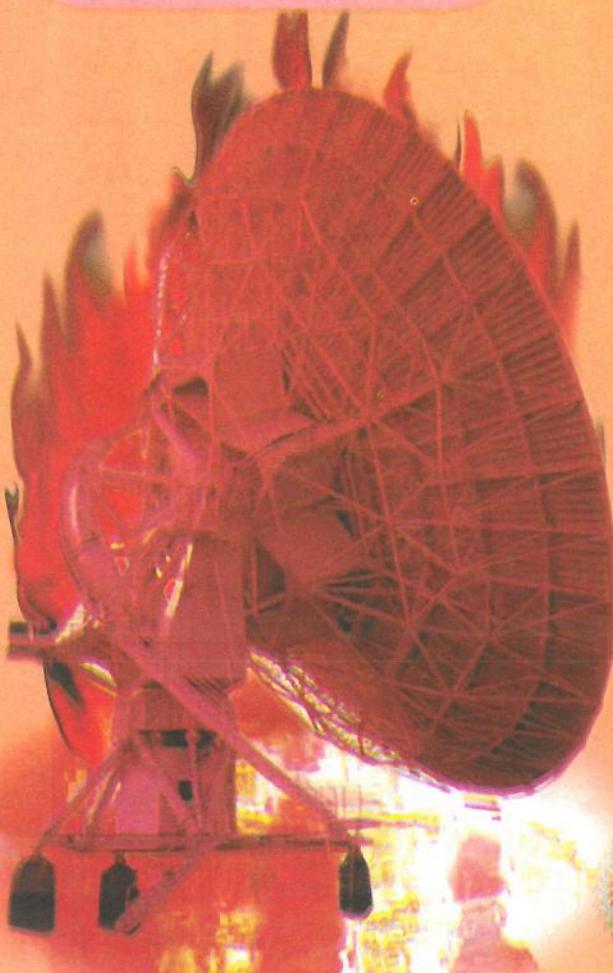
البته تاریخ همیشه شاهد بوده که تلاش آن‌ها بی‌اثر مانده است؛ چرا که خون حسین علی‌الله‌در رگ‌های تاریخ جاری است و غیر از شیعه و سنی و مسیحی، همه مردم آزاده دنیا را تحت تاثیر قرار داده و انقلاب هند و انقلاب‌های بسیاری را سبب شده است. انتظار نیز توقع فردایی زیبا و آمدن منجی است که بارقه امید را در جان آزادیخواهان می‌درخشدند.

از گوگل هم می‌توانید بپرسید!

با جست و جوی کوتاهی، گوگل نشان می‌دهد تا کنون بیش از هزار صفحه درباره مهدویت و امام زمان و جمکران در سایت فارسی بی‌بی‌سی ذکر شده است که مخاطب اصلی آن، فارسی‌زبان‌های داخل و خارج است (به بخش‌های خبری دیگر بی‌بی‌سی به زبان انگلیسی و توجه‌اش به مهدویت، در فرصت‌های آینده خواهیم پرداخت).

بی‌بی‌سی چه می‌کند؟

هدف بی‌بی‌سی مترقی‌تر از هدف صاحبان تفکر استعمار پیر است؛ چرا که آن‌ها تلاش کرده‌اند با تولید مدعیان دروغین، جایگزینی برای موعد و ایجاد کنند، تا توجه مردم را به منجی حقیقی کم کنند؛ اما این شیوه در عصر کنونی چندان جوابگو نیست (نشانه آن هم تولد مدعیان فراوان در کنار هم و دسته دسته است). ظهور مدعیان دروغین فقط



کریمه رملست و



محمد رضا فرازیان

مخاطب (السلام عليك) است ولی هنگام عرض ادب به پیشگاه دوازدهمین امام با صیغه غایب (السلام على وصي من بعده) آمده است. این تغییر شیوه، برای توجه دادن زائر به امام غایب است. یکی دیگر از این اسرار لقب‌های امام عصر است که عبارتند از نور، سراج، ولی، وصی و حجت.

ب) دعا برای فرج

زائرین حرم و بارگاه حضرت مقصومه علیهم السلام از خداوند متعال می‌خواهند: «اسئل الله ان يربنا فيكم السرور والفرج؛ از خداوند می‌خواهمن که سرور و گشایش شما را بینم». قطعاً سرور اهل بیت علیهم السلام ظهور امام مهدی است.

ج) رجوع

زائر در این حرم مقدس عرضه می‌دارد: «و این يجمعنا و اياكم في زمرة جدكم محمد علیهم السلام ما و شما را در زمرة جد بزرگوارتان حضرت محمد علیهم السلام گردآورد».

این درخواست برای روز قیامت نیست، زیرا بهشت و مزایای آن در بخش‌های بعدی مطرح شده است، بلکه ظهور امام مهدی علیهم السلام براساس عقیده رجعت، مقصومین علیهم السلام در زمان ظهور به دنیا بر می‌گردند و همراه بودن با امام مهدی علیهم السلام به منزله همراه بودن با سایر ائمه و قرار گرفتن در زمرة پیروان حضرت محمد علیهم السلام است.

امام مهدی علیهم السلام عنایات ویژه‌ای به حضرت فاطمه مقصومه علیهم السلام و حرم با صفاتی او و اهل قم به ویژه علماء دارد.^۱ تا جایی که که سبب رشد و شکوفایی معنوی این پایگاه جهت فرهنگ‌سازی معارف اسلامی خصوصاً مهدوی شده است. لذا در این مقاله به طور اختصار به پیوند آخرین مقصوم علیهم السلام با حضرت مقصومه علیهم السلام اشاره می‌نماییم:

۱. امام مهدی در زیارت قائم حضرت مقصومه علیهم السلام

یکی از افتخارات شیعه، داشتن زیارت نامه‌هایی است که از مقصومین علیهم السلام به یادگار مانده است. در زیارت نامه حضرت مقصوم علیهم السلام ضمن مرور عالی ترین معارف شیعه، هشت بار با مقام ولایت، رابطه مستقیم برقرار می‌شود که سه مورد آن پیوند با امام زمان علیهم السلام است.

الف) عرضن ادب و اهدای سلام

سلام‌های این زیارت توأم با اسرار است^۲ یکی از آنها این است که تمام سلام‌های عرضه شده به خدمت پیامبر و جانشینان او با صیغه

۱. ر.ک. «زندگانی کریمه اهل بیت علیهم السلام» که ده نمونه از عنایات امام مهدی علیهم السلام در فصل یازدهم با عنوان طلوع خورشید جهان افروز امامت از افق کریمه اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است.

۲. ر.ک. زندگانی کریمه اهل بیت، ص. ۱۲۸

رامزما

بیت‌اللهم
کن حسنه سریع

مقصود از قائم مقامی اهل قم، مراجع
تقلیدند، زیرا امام زمان ع آنان را جانشین
خود قرار داده است. امام مهدی ع در توقیعی
به محمد بن عثمان عمری می‌فرماید: «و اما
الحوادث الواقعه فارجعوا فيها الى رواه احاديثنا
فانهم حجتى عليكم و انا حجه الله»^۴
نکته ظریف دیگری که در فرمایش نورانی
امام صادق ع بیان شده است «حجت بودن
مردم قم» است که همسو با روایات «ولولا
الحجۃ لساخت الارض باهلهما»^۵ است. قطعاً قم
پایگاه شیعه در عصر غیت است. لذا امام حسن
عسکری ع بلا فاصله بعد از تولد حضرت
مهدی ع به احمد بن اسحاق قمی در قم نامه
می‌نویسد و تولد امام مهدی ع را به او و اهل
قم اطلاع می‌دهد همچنین وقتی سعد بن
عبدالله قمی به محضرش شرفیاب می‌شود با
عنایتی ویژه سعادت دیدار آخرین حجت الهی
ع را نصیش می‌سازد.^۶ زیرا جایگاه قم در
عصر غیت ویژه و ممتاز است و این امتیاز به
برکت بی بی دو عالم، خاتون دو سراء، شفیعه
محشر، کریمه اهل بیت حضرت فاطمه ع
معصومه است.

- ۴. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۱.
- ۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۹.
- ۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۴.
- ۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۸.

۲. امام مهدی ع و کریمه اهل بیت ع و قم

امام صادق ع بیش از ۱۲۰۰ سال پیش

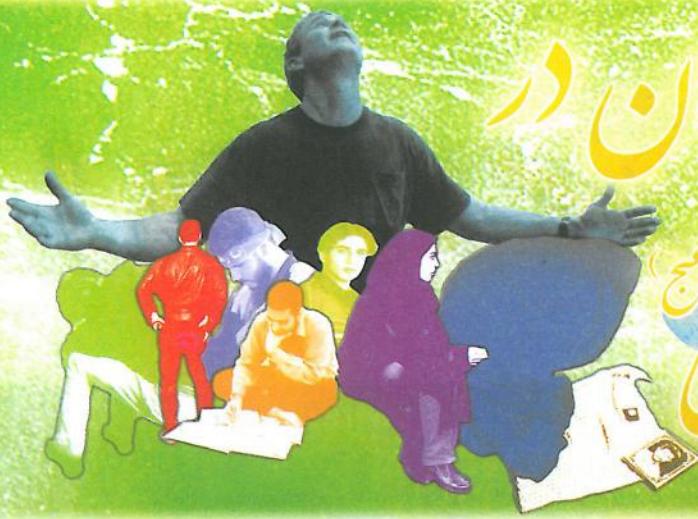
فرمود:

به زودی، کوفه از علم خالی شود و بساط
علم از آن برچیده شود، آن چنانکه مار در لاهه
اش به خود می‌پیچد. آنگاه علم در شهری به
نام قم ظاهر می‌شود و آنجا مرکز دانش
وفضیلت می‌گردد تا جایی که در روی زمین
حتی یک نفر مستضعف و ناآگاه در دین باقی
نمی‌ماند، حتی بانوان پرده نشین. و این در
آستانه ظهور قائم ما خواهد بود که خداوند قم
و اهل قم را قائم مقام حجت قرار می‌دهد
و گرنه زمین خالی از حجت می‌شود و زمین
ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد. در آن
ایام، علم از قم به همه سرزمین‌های شرق
و غرب جهان سرازیر می‌گردد و حجت خدا
بر مردم کامل می‌شود و دیگر در روی زمین
فردی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده
باشد. سپس قائم ع ظهور می‌کند و موجب
خشم و غصب خداوند بر مردم می‌شود زیرا
خداوند از هیچ بندهای انتقام نمی‌گیرد، جز
هنگامی که حجت خداوند را انکار کند.

نکته حایز اهمیت این جا است که در
روزی که اسم قم در جزیره العرب ناشناخته و
گم بود. صادق آل محمد ع آینده آن را
ترسیم فرمود اکنون حوزه علمیه قم، از حوزه
علمیه هزار ساله نجف، سبقت گرفته است و
صدها مجتهد عالی مقام را در دامان خود به
برکت حضرت معصومه ع پرورش داده
است.

جلوه و سماں جوان در سمای حضرت مهدی

حمیده دانشجو



نسل جوان چون از فطرت دست نخورده و سرشت پاکی بهره‌مند است در طول تاریخ همواره از حرکتهای اصلاحی و دینی استقبال و حمایت کرده است. در آغاز رسالت پیامبر ﷺ و پیش از آشکار شدن رسالت آن حضرت، تعداد چشمگیری از جوانان به افکار و اندیشه‌های حضرت لبیک گفتند و اسلام آوردند. از سوی دیگر، رسول گرامی اسلام به جوانان عنایت ویژه‌ای داشت و اغلب از آن‌ها در امور مهم اجرایی، نظامی، دینی و غیره بهره می‌گرفت و بعضی را به عنوان نماینده و سفیر نزد پادشاهان و رهبران کشورهای دیگر می‌فرستادند که گاهی آن حضرت به خاطر همین گزینش‌ها مورد اعتراض اصحاب میانسال قرار می‌گرفت.^۱ در زمان امام علی علیه السلام و سایر امامان معصوم هم، جوانان نقش و جایگاه مهمی داشتند، چنانکه نقش جوانان در قیام تاریخی کربلا بر کسی پوشیده نیست. علاوه بر شواهد تاریخی، تجربه انقلاب اسلامی ایران هم این واقعیت را به وضوح نشان داد. قشر پرشور و پویای جوان در تمام مراحل انقلاب، حضوری حماسی داشته و از جان خود در راه رشد، بالندگی و پیروزی انقلاب مایه گذاشتند، بعد از پیروزی نیز، این قشر در برابر انواع و اقسام ترقه‌های دشمن مقاومت کرد، به گونه‌ای که می‌توان گفت اگر حضور چشمگیر و حماسی جوانان در انقلاب اسلامی ایران صورت نمی‌گرفت امروزه سرنوشت انقلاب و جایگاه آن معلوم نبود.

در رکاب حضرت مهدی

شواهد معتبر تاریخی و تجربه‌ی عینی درنهضت بزرگ اسلامی ایران به خوبی نشان می‌دهند که نقش قشر جوان در ظهور حضرت حجت و حکومت آن حضرت به مراتب چشمگیرتر از گذشته و امروز خواهد شد و خدمات جوانان در راه تحقق آرمانهای امام عصر ﷺ به اوج خود خواهد رسید، این موضوع با روایتی از اما صادق علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته، ایشان می‌فرمایند: «هنگام ظهور حضرت مهدی، جوانان شیعه در حالی که بر روی بام‌های خانه‌ایشان در خواب به سر می‌برند همگی در یک شب به ندای آسمانی آن حضرت لبیک می‌گویند و در همان شب، بدون وعده قبلی به سوی مکه می‌شتابند در بامداد خود را به آن شهر می‌رسانند و به زیارت امام و رهبر خویش نایل می‌شوند».^۲

اولین سفیر جوان

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: هنگام ظهور آن حضرت، جوانی از سوی آن حضرت به عنوان سفیر انتخاب می‌شود و از جانب آن حضرت به سوی مکه می‌رود، تا پیام امام را به اهل مکه برساند و آن‌ها را به پیروی از حکومت حق فراخواند (دربرخی روایات، از او با عنوان «نفس زکیه» و «سید حسنی» یاد شده است). وی خود را به مکه می‌رساند و پیام آن حضرت را به مردم ابلاغ می‌کند، اما حکمرانان مکه او را می‌ران کن و مقام به شهادت می‌رسانند. این جوان سلحشور، نخستین سفیر حضرت حجت و اولین شهید در راه تحقق حکومت جهانی امام زمان پیغمبر ﷺ است.^۳

۱. طبقات الکبری، ص ۱۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۰.

۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۶۸.

اوصاف و خصوصیاتی که در احادیث منقول از ائمه هدی علیهم السلام برای ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص امام مهدی ع ذکر شده، عبارت است از: «جوان، عالم، فقیه، عارف، ایمان استوار، شجاع، متواضع، شیفتہ شهادت و...» صفت جوانی یکی از ویژگیهای این گروه می‌باشد.

حضرت علی علیهم السلام فرمود: اصحاب و یاران حضرت مهدی جوانی هستند که در میان آنها پیرمرد به چشم نمی‌خورد مگر خیلی اندک مانند سرمه در چشم و نمک در غذا که کمترین چیزی است.^۴

منجی جوان

در کلمات بیشتر امامان معصوم علیهم السلام صفت جوانی یکی از ویژگیهای حضرت مهدی مطرح شده و با عبارات گوناگونی جوانی آن حضرت مورد تأکید قرار گرفته که به چند نمونه از آن روایات اشاره می‌شود.

۱. امام علی علیهم السلام فرمود: مهدی ع جوانی از قبیله قریش و مرد چابک و ماهری از تبار دلیر مردان است که در سن ۳۰ یا کمتر از ۴۰ سال ظهور می‌کند.^۵

۲. امام حسن علیهم السلام فرمود: خداوند عمر حضرت مهدی را در غیبت طولانی می‌کند و سپس او را به صورت شخصی جوان ظاهری سازد تا معلوم شود که خدای متعال بر همه چیز قادر و تواناست.^۶

۳. در روایات متعددی از امام صادق علیهم السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: «مهدی جوانی رشید و بلندقاامت است که در سن نزدیک به ۳۰ سال ظهور خواهد کرد.^۷

۴. امام رضا علیهم السلام فرمود: علامت مهدی، این است که وی از نظر سنی، پیر اما در ظاهر و سیما، جوان خواهد بود به طوری که هر کس آن حضرت را زیارت کند ۴۰ یا کمتر از آن را تصور خواهد کرد.^۸

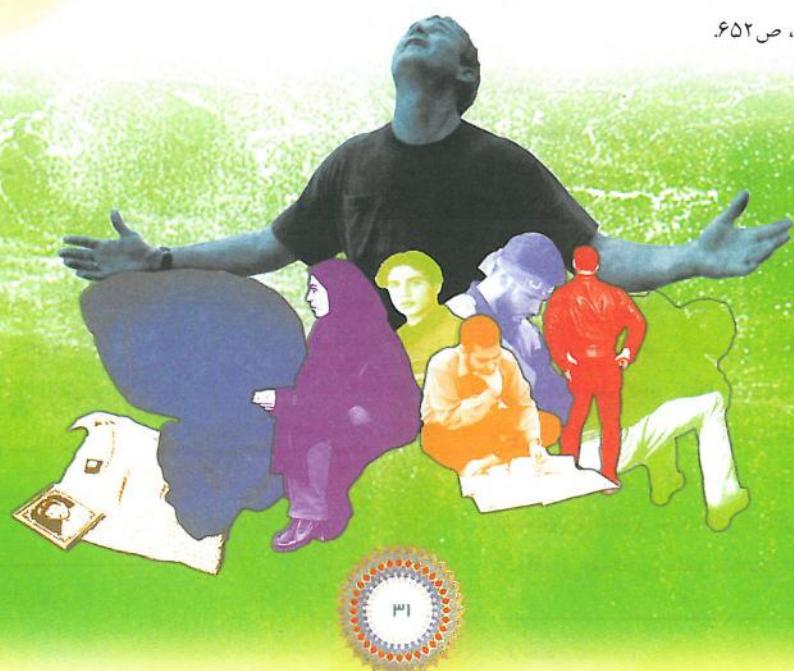
۴. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۴۸۴، غیبه نعمانی، ص ۳۱۶.

۵. ملاحم و فتن، ابن طاووس، ص ۷۳، نجم الثاقب، ص ۱۱۴.

۶. کمال الدین و تمام النعمة، حدائق، ص ۱۰۵.

۷. همان، ص ۱۹۱.

۸. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۵۲.





حکومت جهانی مهدوی

دکتر غلام رضا بهروز لک^۱

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمَّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) ^۲

طبق این آیه، این اراده قطعی و تخلف ناپذیر الهی است که حکومت آخرالزمان از آن امامان حق باشد. در روایات اسلامی نیز بر الهی بودن منصب حکومت مهدوی تصریح شده است.

در مهمترین روایتی که از پیامبر گرامی اسلام علیهم السلام نقل شده، آن حضرت برانگیخته شدن حضرت مهدی از جانب خداوند تصریح کرده است. طبق این حدیث، اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد، تا فردی از فرزندان آن حضرت از جانب خداوند حاکم شده و زمین را از عدل و داد پر نماید؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است. این روایت، تأکید بر مأموریت الهی حضرت مهدی از سوی خداوند است.

جهانی بودن حکومت مهدوی

حکومت در طول تاریخ، به گونه‌های مختلفی تقسیم شده است. یکی از این تقسیمات، تقسیم‌بندی آن به لحاظ قلمرو و گستره آن می‌باشد. به لحاظ قلمرو، می‌توان حکومتها را به سه گونه اصلی حکومت‌های شهر محور، حکومت‌های ملی و حکومت‌های جهانی تقسیم کرد. حکومت‌های شهر محور، بیشتر در عصر باستان - بهویژه در یونان باستان - تحقق داشته‌اند. نظامهای قبیله‌ای نیز شکل بومی و دیگری از این حکومت‌های کوچک محسوب می‌شود. این‌ها همگی قلمرو محدودی داشته و در شهر یا قبیله محدود می‌شدند.

گونه دیگر حکومت، حکومت‌های ملی است. حکومت‌های ملی، غالباً محصول دوران مدرن هستند. این حکومت‌ها قلمرو خویش را براساس مفهوم جدیدی از ملیت بنا گذاشتند که از مفاهیم عمدۀ در انقلاب فرانسه بوده است. پس از پیروزی انقلاب فرانسه، به تدریج دولت‌های ملی با شعار ملی گرامی شکل گرفته و ساکنان یک سرزمین با قلمرو معین با زندگی تحت یک حکومت مشترک، نمونه حکومت‌های ملی را ارائه کردند. در این حکومت‌ها، مبنای وفاداری در جامعه، به جای سنت‌های گذشته و نسبت‌های قبیلگی و خونی، بر پذیرش زندگی در یک قلمرو جغرافیایی مشترک استوار بوده است.

در ادامه سلسله نوشتارهای مربوط به سیاست و مهدویت، در صدد هستیم به تبیین حکومت جهانی حضرت مهدی بپردازیم. حکومت، از جمله مفاهیم سیاسی است که کاربرد رایجی دارد. در این نوشتار، سعی خواهیم کرد ضمن مفهوم‌شناسی حکومت، به وجه جهانی بودن حکومت مهدوی بپردازیم.

مفهوم‌شناسی حکومت

حکومت، در اصطلاح سیاسی، بیانگر قوه حاکمه یک جامعه می‌باشد. هرچند در مواردی حکومت با دولت مترادف به کار رفته است، حکومت از دولت متمایز می‌باشد. حکومت، صرفاً بیانگر ساختار قدرت در جامعه و ویژگی‌های هیأت حاکمه است؛ از این جهت، حکومت، بیانگر ادعای حق حکمرانی در جامعه می‌باشد. چنین ادعایی، به صورت‌های مختلفی مطرح می‌شود. گاه چنین ادعایی، بر اساس داعیه‌های دینی و الهی صورت می‌پذیرد. چنین حکومت‌هایی، حکومت دینی خوانده می‌شود. برخی حکومتها، صرفاً براساس قرارداد اجتماعی یا قانون وضع شده شکل گرفته‌اند. چنین حکومت‌هایی دموکراتیک یا مردمی خوانده می‌شوند؛ گاه حکومتها صرفاً براساس ادعای حق موروثی شکل می‌گیرند، گاهی نیز حکومتها مبتنی بر زور و دیکتاتوری هستند. در هر کدام از این حکومتها، نوعی ادعای حق حکمرانی بر مردم وجود دارد؛ اما آن‌ها هر کدام به شیوه‌ها و مبانی مختلف چنین ادعایی را مطرح می‌کنند.

الهی بودن حکومت مهدوی

در باب حکومت جهانی حضرت مهدی ^۳ باید گفت مبنای چنین حکومتی براساس حق الهی است؛ از این رو حکومت مهدوی، حکومتی الهی است. در روایات اسلامی بر این امر تصریح شده است. امامت از منظر شیعی، منصبی الهی است که توسط خداوند تعیین شده و پیامبر گرامی اسلام، مامور ابلاغ آن می‌باشد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» ^۴

عدم ابلاغ آن نیز به معنای عدم انجام وظیفه رسالت خواهد بود. در قرآن کریم نیز بر این امر تصریح شده است:

۲. پیروزی اسلام بر تمام ادیان: یکی از ادله جهانی بودن

حکومت حضرت مهدی^ع غلبه اسلام بر تمامی ادیان باطل خواهد بود. طبق آیه شریف ۳۳ سوره توبه، خداوند در صدد غلبه بخشیدن دین اسلام بر تمام ادیان دیگر بوده است:

﴿وَالَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَ عَلَى الْدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾.^۷

این آیه، عیناً در سوره صفت کار شده است و با تفاوت جزیی در بیان آیه، در سوره فتح آمده است. براساس این آیه، خداوند، پیامبر خویش را با هدایت و دین حق ارسال کرده است تا آن را بر تمام ادیان غالب کند. بدون تردید، چنین امری تاکنون محقق نشده است و طبق روایات اسلامی، در دولت مهدوی^ع محقق خواهد شد.

۳. خلافت صالحان بر زمین: در سوره نور، خداوند چنین وعده‌ای را

طرح کرده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلَفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾.^۸ طبق این آیه، خداوند وعده داده است مؤمنان دارای عمل صالح را حاکم بر زمین قرار دهد.

۴. پرشدن زمین از عدل و داد: از ادله دینی برای جهانی بودن حکومت مهدوی، تعبیر به «یماؤ» در روایات اسلامی است. طبق این روایات، حضرت مهدی^ع زمین را - پس از آن که از ظلم و جور پر شده است - از عدل و داد پر خواهد کرد.

این‌ها نمونه‌ای از ادله دینی برای جهانی بودن حکومت حضرت مهدی^ع می‌باشد. البته باید توجه داشت در این زمینه، ادله عقلی و کلامی گسترده‌ای وجود دارد که به تناسب فرصت، صرفاً به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شد. در شماره بعد، تلاش خواهیم کرد ویژگی‌های دیگر حکومت جهانی مهدوی را بررسی نماییم.

حکومت‌های جهانی، داعیه حکومت و زندگی در قلمرو فراغیر جهانی را دارند. در گذشته برخی حکومت‌ها چنین شعاری را مطرح می‌کردند: مانند قلمرو امپراتوری اسکندر مقدونی که سعی داشت آن را تا اقصا نقاط جهان گسترش دهد. امپراتوری‌های دیگری نیز در طول تاریخ بوده‌اند که داعیه حکومت بر سراسر جهان را داشته‌اند؛ اما آن‌ها غالباً تووانستند چنین آرزویی را محقق سازند.

بته در طول تاریخ، اندیشه‌ها و مکاتبی نیز بوده است که در عمل، فرصت تحقق ایده‌های خویش را نداشتند؛ اما در مقام اندیشه و نظر، خواهان تشکیل حکومت جهانی بودند. قدیمی‌ترین اندیشه‌های حکومت جهانی را می‌توان در اندیشه جهان وطنی^۹ رواقیون در یونان قبل از مسیحیت دانست. ادیان نیز در صدد تشکیل حکومت جهانی بودند. از ادیانی که فرصت تشکیل حکومت را به دست آوردند، اسلام است، اسلام نیز چنین داعیه‌ای را به صورت علنی و آشکار مطرح کرده تعالیم اسلامی مخاطب خود را جهانیان قرار داده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^{۱۰}

سیره عملی پیامبر اسلام^{علیه السلام} نیز دعوت جهانیان بوده است. ارسال سفیران مخصوص به سوی حاکمان زمان خویش، خود نشانه بارز این امر بوده است. خداوند نیز امت اسلامی را امت واحد یاد کرده و تنها دین حق را دین اسلام خوانده است.

هرچند حکومت فراغیر جهانی اسلام در گذشته تحقق نیافت، در تعالیم اسلامی مطرح شده است که در آینده حتماً چنین حکومتی محقق خواهد شد. تغییر مختلفی در متون اسلامی وجود دارد که بر این امر تصریح کرده است. نمونه‌ای از این تغییر را بررسی می‌کنیم:

۱. تعبیر «ارض»: یکی از این تعبیر، استفاده از کلمه «ارض» در قرآن و حدیث می‌باشد. در قرآن کریم، بیش از ۴۰۰ بار از تعبیر ارض استفاده شده است که همگی آن‌ها بیانگر کلیت کره خاکی است. در آیاتی که بر ظهور حضرت مهدی^ع و حکومت وی دلالت دارند، نیز از تعبیر ارض استفاده شده است. نمونه بارز آن عبارت است از:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الرِّبْوَرِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبَادِ الصَّالِحِينَ﴾.^{۱۱} طبق این آیه، صالحان، وارثان کل زمین خواهند بود.

4. Cosmopolitanism.

۶. انبیاء: ۱۰۵.

۷. توبه: ۳۳.

۸. نور: ۵.

۵. انبیاء: ۱۰۷.



ر ا ن ه ا و ر ف ن ر ه ا



ز ه ر ا پاقری

ب ا د ر ا ز ب ر خی م ن س ب ت ه ا



ماه مبارک رمضان

نازل می گردد ابن عباس گوید: «آنان چه کسانی هستند؟» فرمود: «من و یازده تن از صلب من که ائمه محدثون [مورد خطاب فرشتگان] هستند.»^۱

۲۰ ماہ مبارک رمضان، دومین شب قدر

اکثروا الدعا، بتعجیل الفرج فان ذلك فرجکم؛ برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، زیرا همین دعا کردن، فرج و گشایش شماست.^۲

۲۱ ماہ مبارک رمضان، شهادت حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام

اصبح بن نباته گوید: بر امیر المؤمنین وارد شدم و دیدم در اندیشه فرو رفته و با انگشت بر زمین خط می کشد، گفتم: «ای امیر المؤمنین چرا شما را اندیشناک می بینم و چرا بر زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی دارید؟» فرمود: «لا والله، نه به آن و نه به دنیا هیچ روزی رغبتی نداشتهام و لیکن در مولودی اندیشه می کنم که از سلاله من و یازدهمین فرزند من است و او مهدی است و زمین را پر از عدل و داد می سازد همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد، او را غیبت و حیرتی است که اقوامی در آن گمراه شده و اقوامی دیگر در آن هدایت یابند.» گفتم: «ای امیر المؤمنین چنین چیزی واقع خواهد شد؟» فرمود: «آری همانگونه که او آفریده شده، دارای غیبت نیز خواهد بود، تو چه می دانی؟ ای اصبح، آنها [هدایت یافتگان] بهترین این امت، به همراه نیکان این عترت خواهند بود.»^۳

۲۲ ماہ مبارک رمضان، سومین شب قدر

شیخ کفعی «رحمه الله عليه» می نویسد: یکی از معصومین علیهم السلام می فرمایند: در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته و در هر حال و در

علامه مجلسی رحمه الله می گوید: با سند معتبر روایت شده که امام عصر ارواحناقداً خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند: «این دعا [دعای افتتاح] را در شب های ماه مبارک رمضان بخوانید، زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می دهند و برای خواننده این دعا طلب بخشش می کنند.»^۴

۱۵ ماہ مبارک رمضان، میلاد باسعادت کریم اهل بیت

امام حسن علیهم السلام

ابوسعید عقیصا گوید: وقتی امام حسن علیهم السلام با معاویه مصالحه کرد مردم به نزد او آمدند و بعضی از آنها امام را به واسطه بیعتش مورد سرزنش قراردادند، امام فرمود: «اوای بر شما چه می دانید که چه کردم؟ به خدا سوگند این عمل برای شیعیان از آنچه که آفتاب بر آن بتابد و غروب کند بهتر است، آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعه بر شما هستم و به نص رسول خدا یکی از دو سروران جوانان بهشتم؟» گفتند: «آری»، فرمود: «آیا می دانید که وقتی خضر کشتنی را سوراخ کرد و دیوار را پا داشت و آن جوان را کشت این اعمال موجب خشم موسی بن عمران گردید چون حکم آنها بر وی پوشیده بود، اما آن اعمال نزد خدای تعالی عین حکمت و صواب بود؟ آیا نمی دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آنکه [به ناچار] بیعت طاغوت و سرکش زمانش بر گردن اوست مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می سازد و شخص او نهان می شود تا آنکه که خروج کند و بیعت احدي بر گردن او نباشد. عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند سپس با قدرت خود او را در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست».^۵

۱۸ ماہ مبارک رمضان، اولین شب قدر

امام جواد «علیه السلام» از پدر بزرگوارشان از امیر المؤمنین علیهم السلام روایت کند که به ابن عباس فرمود: «شب قدر در هر سالی هست و در آن شب، امر آن سال نازل می شود، برای آن امر والیانی پس از رسول خدا وجود دارد» که بر آنان

۱. کمال الدین و تمام التعمید، ج ۱، ص ۵۶۵

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۵

۳. همان، ج ۱، ص ۵۶۲

۴. صحیفه مهدیه، ص ۳۰۰

۵. کمال الدین و تمام التعمید، ج ۱، ص ۵۸۸

اولین توقيع امام عصر در دوران غیبت صغیری برای جناب حسین بن روح سومین نائب خاص صادر شد. در آن: ما او (حسین بن روح) را می‌شناسیم؛ خدا همه خوبی‌ها و رضای خود را به او بشناساند و اورا با توفيق خود سعادتمند گرداند. از نامه او اطلاع یافتیم و به وثوق او اطمینان داریم وی در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می‌گرداند خداوند خسان خود را درباره او مقرن گرداند.

انه ولی قدیر و الحمد لله لاشريك له و صلی الله علی رسوله محمد و آله و سلم تسليماً این توقيع در روز یکشنبه که شش شب از ماه شوال گذشته بود به سال ۳۰۵ هجری صادر شد.^۳

۲۵ شوال شهادت حضرت امام صادق علیه السلام

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: چون مردم امام را از دست بدنهن سالیانی دراز بی امام مانده و او را پیدا نمی‌کنند تا آنگاه که خداوند متعال صاحب شما را آشکار گرداند.^۴

**آخرین جمعه ماه مبارک رمضان،
روز قدس، روز مبارزه با صهیونیسم.**

سالهاست که صهیونیسم با روش‌ها و نیزه‌های متفاوت از جنگ و ترور تا فیلم‌ها و بازی‌ها به مبارزه با مسلمانان و مهدویت پرداخته است.



۳. تقویم شیعه، عبدالحسین نیشابوری (ص ۲۵۵)؛ مهدی موعد (ترجمه جلد ۱۳

بحار الانوار، علامه مجلسی، مترجم: علی دوایی، ص ۶۸۱).

۴. مهدی موعد (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار علامه مجلسی، ترجم: علی دوایی، ص

. ۳۶۷).

تمامی ماه مبارک و هر طور که برایت امکان دارد و تا زمانی که زنده هستی، تکرار کن؛ و بعد از بزرگداشت وادی احترام به خداوند متعال و درود بر پیامبرش «صلی الله علیه و آله» بگو:

«اللهم كن لوليک الحجه بن الحسن، في هذه الساعة و في كل ساعه، ولیاً و حافظاً ، و قائدًا و ناصراً و دليلاً و عيناً، حتى تُسكنَه ارضك طوعاً و تُمتعَّن فيها طويلاً؛ بار خدایا! برای نمایندهات حضرت حجه بن الحسن، در این ساعات و در تمامی ساعات، سرپرست و محافظ و پیشوای یاور و راهنمای دیدهبان باش، تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما»^۱

۱ ماه شوال، عید فطر عارف بزرگوار آیت الله میرزا جواد آقای ملکی تبیریزی چنین می‌گوید:

نمای صبح را به طوری که سزاوار است به جای آورد و بعد شکر کند و بعد از آن دعائی که شیخ جلیل محمد عمری «قدس الله سره العزیز» [نائب خاص امام زمان علیه السلام] روایت کرده است را بخواند، سپس مؤمنی که معتقد به امامت «صاحب الزمان علیه السلام» می‌باشد و به آنچه خداوند درباره او (از نصرت حق و نشر عدل و محروم و بسط فضل و ظهور سلطنت او بر تمام سلاطین و پیروزی دین او بر تمام ادیان) وعده داده است تصدیق داشته باشد و امروزه غیبت آن حضرت و غصب توسط دشمنان او و سختی حال شیعیان رعایای او را تحت سلطنت این گروه کافران و فاجران را بنگرد و ببیند که به آنان از قتل نفوس و هتك آبرو و غصب اموال و بدی حال و قمارخواری و ابتذال، چه می‌رسد؛ بایستی خوشحالی او به اندوه زیاد و خنده او به گریه و عید او به ماتم مبدل گردد و بایستی به خواندن دعای ندبه بگردید و فرج او را از خداوند بخواهد.^۲

۶ شوال توقيع برای حسین بن روح

۱ صحیفه مهدیه، ص ۲۲۱.

۲ المراقبات، ص ۲۴۳.

بین بوته زیاد

مجید ملامحمدی

تهیه غذا و خرج میهمان‌ها و شاگردان کاری بکنید. اگر آدم‌های غیر اهل بفهمند، خوشنود می‌شوند». سید، نگاهی پر محبت به او انداخت. بعد سر خود را تکان داد و بیرون رفت. شیخ زین العابدین تعجب کرد. او نمی‌دانست پشت نگاه عجیب سید، چه رازی نهفته است. عادت سید بود که هر روز، اول صبح بعد از طوف و دعا در خانه خدا، به خانه می‌آمد. اول قلیان می‌کشید، بعد به اتاق درس می‌رفت و برای شاگردانش درس می‌گفت.

او بالآخره از خانه خدا برگشت و در اتاق بیرونی، متظر نشست. شیخ زین العابدین حرفی نزد و فقط به او نگاه کرد. خدمتکار خانه قلیان آورد و آن را جلو سید، گذاشت تا شروع درس، چند دقیقه‌ای بیشتر نمانده بود.

ناگهان در به صدا درآمد. خدمتکار از درون مطبخ بلند گفت: «آدم! سید با عجله برخاست و گفت: «قلیان را از اینجا بردارید و بیرون ببرید».

شیخ زین العابدین که کنجکاو شده بود فوری قلیان را برداشت و به دست خدمتکار داد. بعد پشت سر سید به طرف در رفت. سید در را باز کرد و با رویی گشاده گفت: «سلام بر شما! خوش آمدید، بفرمایید».

مردی غریب بود که با او احوال پرسی کرد. پا به خانه گذاشت و به راهنمایی سید، به اتاق او رفت. شیخ زین العابدین کنجکاو شد. در دلش فکر کرد: «او چه کسی است که سید این همه احترامش می‌کند؟».

شیخ زین العابدین^۱ جلوی در ایستاد. وقت رفتن سید^۲ به حرم بود. شیخ زین العابدین می‌دانست وقتیش است که بگوید. چند روز دندان روی جگر گذاشته بود. خجالت می‌کشید به استادش بگوید. سید در فکر چیزهای کوچک نبود. دلش در خانه خدا و حرم کعبه سیر می‌کرد. شیخ زین العابدین همان‌طور ایستاد تا سید از اتفاق درآمد. سید عبا و قبایش را پوشیده و عمامة سیاهش را خیلی مرتب، بر سر گذاشته بود. به خودش هم عطر خوشبویی زده و برای رفتن به زیارت خانه خدا آماده بود. آن‌ها چند وقتی می‌شد که از عراق به مکه آمده بودند و با حرم همسایگی داشتند. سید در مکه یا درس می‌گفت یا به خانه خدا می‌رفت و مشغول عبادت می‌شد.

- «کاری نداری آشیخ زین العابدین؟»

شیخ با احترام زیاد، در را به روی استاد باز کرد و گفت: «فقط می‌خواستم جمله‌ای عرض کنم».

سید ایستاد و گوش داد. شیخ زین العابدین گفت: «شما انسان بزرگوار و سخاوتمندی هستید. از کمک به آدم‌ها هم نمی‌گذرید. می‌خواستم بگویم وضع خرج خانه ما طوری شده که حتی یک درهم هم نداریم. باید برای

۱. شیخ زین العابدین سلمانی از علمای با تقوای شیعه و از شاگردان و باران نزدیک مرحوم سید بحرالعلوم قدس سره.
۲. علامه سید مهدی بحرالعلوم، از علمای بزرگ شیعه که اهل بروجرد بود؛ اما در عراق زندگی می‌کرد.

تشکر کرد و کارگرها را به خانه سید برد. سید با خوشحالی و دور از چشم کارگرها، در یکی از کیسه‌ها را باز کرد؛ پر از پول بود. چشم‌های شیخ زین العابدین برق زد. سید کرایه کارگرها را داد. آن‌ها با شوق از آنجا رفتند. شیخ زین العابدین پرسید: «این... این پول‌های زیاد؟».

اما زبانش بند آمد. سید همه پول‌ها را به او سپرد و به اتفاق دیگر رفت. بدن شیخ زین العابدین داغ شده بود. از کوزه کوچک آب نوشید. سپس به کمک خدمتکار پول‌ها را به پستو برد، تا در جای امنی بگذارد. چند روز بعد، با عجله به کوه صفا رفت.

عجبی بود؛ اثرباری از دکان صرافی نبود. از چند مرد سراغ گرفت. کسی مرد صراف را نمی‌شناخت.

شیخ زین العابدین با ناراحتی به پیشانی خود زد. یاد می‌همان غریب سید افتاد. مردی که بلند قامت بود و پیوسته لبخند می‌زد. وقتی که به خانه آمد با خود بموی عطر عجیبی آورد. شیخ زین العابدین نشست و چهره زیبای او را در ذهن خود مجسم کرد. بعد دوباره به پیشانی خود زد و آرام آرام گریست.

^۳ صرافی یعنی: تبدیل و عوض کردن انواع بول یک کشور و کشورهای دیگر.

^۴ کوهی در نزدیکی مسجد الحرام و خانه خدا.

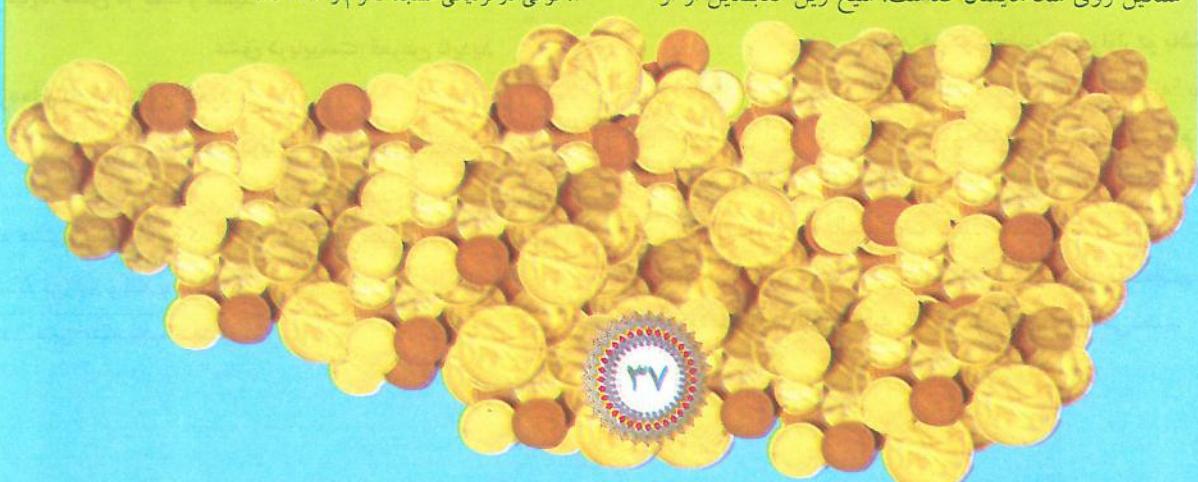
کنار در نشست و به آن دو خیره شد. آن‌ها چند جمله‌ای با هم رد و بدل کردند. سپس مرد می‌همان، کاغذ کوچکی به سید داد و برخاست. سید خم شد و دست او را بوسید. شیخ زین العابدین با حیرت نگاهش کرد. باورش نمی‌شد سید دست کسی را بیوسد. داشت خشکش می‌زد. سید با احترام زیاد مرد غریبه را تا دم در بدרכه کرد. مرد غریبه سوار بر شتر خود شد و از آن‌ها خداحافظی کرد.

شیخ زین العابدین مانده بود چه بگوید.

سید گفت: «این حواله را نزد مرد صرافی^۳ که کنار کوه صفا^۴ نشسته بیرون آنجه به تو تحويل می‌دهد، بگیر؛ عجله کن». شیخ زین العابدین بدون هیچ سؤالی عبايش را بر دوش انداخت و از خانه بیرون زد. بعد دوباره غرق در فکر شد. «آیا او تاجری بزرگ بود؟... اما پس چرا سید که آن همه عظمت و بزرگی دارد، دستش را بوسید؟»

فکر هویت مرد غریبه از ذهنش بیرون نمی‌رفت. به کوه صفا رسید. دکان کوچکی کنار کوه دید. مردی تنها در دکان نشسته بود. سلام کرد و حواله را نشانش داد. مرد صراف به او احترام کرد. احوالش را پرسید و گفت: «چهار نفر کارگر برای حمل بیاور».

شیخ زین العابدین چند قدم آن طرف تر چهار کارگر بیدا کرد. مرد صراف آن‌ها را داخل دکانش برد و چند کیسه سنگین روی شانه‌هایشان گذاشت. شیخ زین العابدین از او



عن عن ایاز غربت و نیست امام عصر در شعر فارسی

قسمت (۶)

ه گنر محمدیه رفیعی^۱

فاش من گویم و از گفتة خود دلشادم

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

«حافظ»

ما نمی‌دانیم و نمی‌توانیم شکر این نعمت را چگونه بجای بیاوریم که گل ما را از باقی مانده گل حضرت مهدی «روحی و ارواح العالمین له الفدا» سرشته‌اند.

ما خودمان خوب می‌دانیم که این عشق را به ما داده‌اند و امام زمان ع ما را از میان همه بندگان خدای سبحان را صلازده است و سر سفره کریمانه خویش نشانده است.

من بن مایه که باشم که خریدار تو باشم؟

حیفه باشد که تو یار من و من یار تو باشم

تو مگر سایه لطفی به سروقت من آری

که من آن مایه ندارم که به مقدار تو باشم

خویشن بر تو نبندم که من از خود نپسندم

که تو هرگز گل من باشی و من خار تو باشم

هرگز اندیشه تکردم که گمndت به من افتاد

که من آن وقت ندارم که گرفتار تو باشم

هرگز اندر همه عالم نشناسم غم و شادی

مگر آن وقت که شادی خور و غم خوار تو باشم

گذر از دست رقیبان نتوان کرد به گوییت

مگر آن وقت که در سایه زنگار تو باشم

هردمان عاشق گفتار من ای قبله خوبیان!

چون نباشند؟ که من، عاشق دیدار تو باشم

من چه شایسته آنم که تو را خوانم و دانم

مگرم هم تو ببخشی که سزاوار تو باشم

در پی پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که: ما کی؟ کجا؟ و چگونه؟ به شرف

این عشق نایل آمده‌ایم؟ جواب آن بود که در واقعه‌ای به نام «عشق

غاییانه» و در عالم ارواح و فطرت ما عاشق آفریده شدیم و ماجرای

این عشق غاییانه تا عالم ناسوت کشیده شده است.

در خصوص ابعاد مختلف عشق غاییانه، سخن‌ها بسیار گفته‌ایم و امروز

کلام خودمان را در این باره به حول و قوه الهی، ادامه می‌دهیم.

بنی قرار تؤام و در دل تنگ گله‌هاست

آه! بنی تاب شدن عادت کم حوصله‌هاست

مثل عکس رُخ مهتاب که افتاده در آب

در دلم هستی و بین من و تو فاصله‌هاست

بن تو هر لحظه مرا، بیم فرو ریختن است

مثل شهری که به روی گسل زلزله‌هاست

آسمان با قفسن تنگ چه فرقی دارد؟

دیدنست آرزوی روز و شب چلچله‌هاست

باز من پرسم از آن مسئله دوری و عشق

و ظهور تو جواب همه مسئله‌هاست

«ابوالفضل نظری»

سخن ما با شما محبان و مُنتظران امام عصر، به وادی عشق کشیده شده است. وادی عشق، وادی پُر خطر و خونی است که مردان بسیاری در این میدان سپر افکنده‌اند و در مصفاف با عشق، مقهور و مغلوب آن شده‌اند:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم خجل گردم از آن

گرچه تفسیر زبان روشنگر است

لیک عشق بی‌زبان روشن‌تر است

چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت

چون به عشق آمد، قلم برخود شکافت

چون سخن در وصف این حالت رسید

هم قلم بشکسته و هم گاغذ درید

در نیاید، عشق در گفت و شنید

عشق دریاییست، قعرش ناپدید

قطره‌های بحر را نتوان شمرد

هفت دریا پیش آن بحر است خرد

«دادفاتر مختلف مثنوی معنوی مولوی»

راستی ما که هستیم؟ و چه داریم که این گونه سخن از عشق حضرت معشوق

پرده نشین ع می‌زنیم و بلند و رسا فریاد می‌زنیم که:

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

جذبه حضرت معاشق پرده نشین

یکی دیگر از ابعاد عشق غایبانه، «جذبه نامرئی» حضرت دلدار «روحی وله الفدا» است. «جذبه» را اهل معنا، گاه «کشش» می‌گویند؛ و گاهی «برق عشق» و گاهی هم «کمند نامرئی» یار.

جناب حافظ که - خود از مجذوبان امام زمان «سلام الله عليه» است - «جذبه» را در برخی از ایات عرشی و قدسی خود، «برق عشق» نامیده است:

دیدی ای دل که غمِ عشق دگر باره چه کرد؟

چون بشد دلبر و با یار و فدار چه کرد؟

آه از آن نرگس جادو که چه بازی انجیخت

آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد؟

برقی از منزل لیلی بدرخشید سر،

وه که با خرم مجنون دل افکار چه کرد؟

برقِ عشق، آتشِ غم در دل حافظ زد و سوخت

یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد؟

حافظا

مرحوم حضرت علامه طباطبائی «رضوان الله تعالیٰ علیه» ریشه عشق‌های غایبانه را «جذبه» یار می‌داند و معتقد است که تا این «جذبه» نیاشد، پای هیچ سالکی به باستان سبز عشق نمی‌رسد. ایشان در یکی از اشعار ناب عرفانی خویش، از «جذبه» به «کشش» نام برد است. در غزل عارفانه - عاشقانه حضرت علامه طباطبائی، از اسرار بسیاری پرده برداشته شده است:

مهر خوبان، دل و دین از همه بی پروا برد

رُخْ شطرنج نبرد آنچه رُخْ زیبا برد

تو هپندار که مجنون سر خود مجنون شد

از سفکت تا به سُماش کشش لیلا برد

من به سر چشمِ خوشید نه خود بردم راه

ذره ای بودم و مهر تو هرا بالا برد

من خسی بی سروپایم که به سیل افتادم

او که می‌رفت مرا هم به دل دریا برد

جام صهبا به کجا بود و مگر دست که بود

که در این بزم بگردید و دل شیدا برد؟

خم ابروی تو بود و گفت مینوی تو بود

خم ابروت مرا دید و زمین یغما برد

همه یاران به سر راه تو بودیم، ولی

با برافروخته رویی که قرار از ما برد

همه دلباخته بودیم و هراسان که غمته

همه را پشت سر انداخت مرا تنهای برد

تا عاشق شدن باید راه طولانی را طی کرد. یکی از مراحل عجیب و اسرار آمیز پیش از عاشقی، «جذبه» است. جذبه فراهم آوردن عشق است. اما خود این جذبه، دارای مراحل سه گانه‌ای است که اهل بشارت در کلمات اشارت آمیز خود، اسرار آن را با ما، در میان گذاشته‌اند. برای آشنازی با مراحل سه گانه مجذوبیت به محضر جلال الدین - مولوی می‌رویم:

مراحل سه گانه مجذوبیت از دیدگاه مولوی:

جناب جلال الدین مولوی، در مثنوی معنوی، برای آشنازی و درک مفهوم بلند «مجذوبیت» با خوانتگان خود، با زبان تمثیل سخن گفته است.

۱. مرحله اول مجذوبیت (اثر و ردپای یار)

صیادی که برای شکار آهو به نخجیرگاه می‌رود، پس از گذشت و گذر بسیار و جست‌و‌جوی فراوان، سرانجام به صید خود نزدیک می‌شود او را چند قدمی خویش می‌بیند.

صید او، آهوبی است که چاپک رعنای و بسیار زیبا صیاد با دیدن چنین آهوبی، اولاً: دلربوهای او می‌گردد؛ ثانیاً: بی‌درنگ در پی شکار او می‌شود.

آهو آن قدر زیبا و دلرباست که دل از صیاد می‌ریزد و او را شیفته و شیدایی خود می‌گرداند. حالا دیگر صیاد فقط با پا نیست که به دنبال صید خویش است؛ او این را با دل طی می‌کند.

آهو که لحظاتی به جلوه درآمد و با حرکات دلفریب خویش، دل از کف صیاد برد، با چاپکی و چالاکی از صحنه صید می‌گریزد و از چشم صیاد تا پیدید می‌شود. اما صیاد؛ فقط صیاد نیست؛ دل از دست داده‌ای است که اختیار دلش با خودش نیست.

همه یاران به سر راه تو بودیم، ولی

خم ابروت مرا دید و زمین یغما برد

علامه طباطبائی

آنچه اکنون از صید و از آن آهوبی خوش خرام در نزد صیاد دل از دست داده باقی مانده است، ردپایی است که از او روی زمین حک شده است. آهو رفته است، ولی اثر پای او و زد پای او روی زمین باقی مانده است. با دیدن رد پای آهو، جانی در بدنه کم رمق صیاد دمیده می‌شود. او عزم جزم می‌شود. از عزم جزم می‌شود را در جست‌و‌جوی آهو، دست از طلب ننشینند تا سرانجام بتواند صید خود را در آغوش کشد.

جناب لسان الغیب، حافظ شیرازی، از مجذوبان سالک و از صیدشده‌گان وادی حضرت محبوب پرده‌نشین است. تمامی مراحل سه گانه مجذوبیت را با همه جاذبه‌های نامرئی و مردادکش، تجربه کرده است. بعضی از غزل‌های ناب و نایاب او شرح حال مراحل سه گانه مجذوبیت است. غزلی را که در زیر می‌خوانید، مربوط به مرحله اول مجذوبیت است. مرحله‌ای که حافظ در کمند جذبه یار می‌افتد و حضرت معاشق از اوی دلربایی می‌کند:

دل از من برد و روی از من نهان کرد

خدارا با که این بازی توان کرد

شب تنهاییم در قصد جان بود

خیالش لطف‌های بی‌گران کرد

چرا چون لاله خونین دل نباشم

که با ها نرگس او سرگران کرد

که را گویم که با این درد جانسوز

طبیبم قصد جان ناتوان کرد

بدانسان سوخت چون شمعم که برهن

ضراحت گریه و بربط فغان کرد

صبا گرچاره داری وقت وقتست

که درد اشتباقم قصد جان کرد

میان هربانان کی توان گفت

که یار ما چنین گفت و چنان کرد

عدو با جان حافظ آن تردی

که تیر چشم آن ابرو کمان کرد

حافظا

ادامه دارد...



علی محمد پور

چندی قبل به خبر جالبی برخوردم که باعث حیرتم شد؛ متن خبر این بود:
پروفسور نوویکوف، استاد ریاضی روسی تبار، مسلمان شد.

این استاد برجسته ریاضیات جهان که در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ فعال‌ترین
استاد جهان در رشته ریاضی شناخته شده است، علت مسلمان‌شدن خود را
معجزه قرآن دانست و گفت:

«مدت‌ها در حل یک مسأله مهم ریاضی ناتوان شده بودم که عصری در عالم
خواب و بیداری، مردی با لباس عرب و چهره‌ای گندم‌گون، به خوابم آمد و به
من گفت: «حل مسأله تو در قرآن است. سه روز آن را در سینه بگیر تا مسائلهات
حل شود». من نیز چنین کردم و بعد از سه روز، جواب مسأله را یافتم. پس از
این اتفاق، دو سال درباره قرآن و دین اسلام تحقیق و مطالعه کردم و نتیجه
گرفتم شاید منظور آن شخص، گرفتن معارف قرآن در سینه بوده است، نه جلد
آن. فهمیدم قرآنی که با گرفتن جلد آن در سینه، این اتفاقات می‌افتد، اگر معارف
آن را در سینه بگیریم، اتفاقات بزرگی خواهد افتاد و قرآن می‌تواند منشأ بسیاری
از اتفاقات بزرگ و سرنوشت‌سازی باشد که سعادت و رستگاری بشر را تضمین
می‌کند؛ به همین دلیل، تصمیم گرفتم مسلمان شوم. حاضرم با تمام قوا، همه
تکالیف اسلام را به طور کامل انجام دهم. چون قرآن حق است، همه تکالیفی هم
که برگرفته از قرآن باشند نیز حتماً حق است.»

شایان ذکر است این پروفسور بزرگ جهان، هم اکنون ۴۷ سال دارد و تا کنون به
هیچ مذهبی اعتقاد نداشته و لاییک بوده است؛ ولی اکنون مذهب تشیع را
پذیرفته و اسم جعفر را برگزیده است. پروفسور نوویکوف، هم اکنون پروفسور
جعفر نام دارد.

ویروس طلبکاری

چوارد اسحاقیان

مطیع اولی الامر باشد و اطاعت، تنها وظیفه اصلی ما برابر امامان است. بنابراین توهمندی تجارت و معامله با امام مردود است. اگر کسی فکر کند می‌تواند امام را هم مثل افراد عادی و پلی برای زد و بندهای اقتصادی و سیاسی خود قرار دهد، باید مطمئن باشد که پس از مدت کوتاهی به تب و علائم بعدی این بیماری گرفتار خواهد شد.

ویروس، این است که بیمار را دچار توهمندی کند و شبیه اثر قرص‌های اکس جای افراد را عوضی می‌بیند و خود را امام و امام را پیرو خود می‌بیند. لذا برای پیشگیری واکسن دیگری که به راحتی قبل از استفاده است توصیه می‌شود این که بداند امام کسی است که باید دنبال او رفت و خود را فدای او کرد نه او دنبال ما و خواسته‌های ما بیاید.

درمان

برخی بیماران که شناس می‌آورند یا بهتر بگوییم توفیق پیدا می‌کنند در اثر گرفتاری به یک بلاعی جسمی، اقتصادی، ... نجات از آن به مدد امام، از خطر و خامت بیماری رهایی می‌بینند و در نتیجه ویروس در گلbul های سفید معرفت و شهود داخلی آن‌ها هضم می‌شود. راه درمان دیگری که اخیراً به دست دانشمندان تاریخ کشف شده است، آن است که افراد مبتلا، به موزه اندوخته‌های ذهنی خود مراجعه کنند و با مشاهده استخوان‌های پوسیده و فسیل‌های کسانی که طلبکار بودند و متروک شدند و دنیا و آخرت خود را خراب کردند، عبرت بگیرند یا آن که در بخش دیگر موزه، افرادی که بدون توقع، جانبازی نموده و به اهل بیت خدمت کردند را ببینند که جاویدان شدند.

در صورتی که درمان‌های قبلی تأثیر نکند، ممکن است بیمار آن‌چنان دچار شنج شود که تنها مرگ بتواند رشد بیماری را متوقف کند.

توجه: گونه‌های جدیدی از این بیماری نیز اخیراً یافت شده است که نوعی طلبکاری از منسوبيین به امام زمان است. کسانی که به این گونه بیماری مبتلا هستند، در ازای پیروی از علم و مراجع یا حکومت اسلامی، خواستار کسب امتیازات بالا و یا حل تمام مشکلات بدون در نظر گرفتن موانع و... هستند. این گونه بیماری، هرچند کمی متفاوت است ولی کارکرد و شیوه عمل آن شبیه ویروس مادر است. یکی از بهترین متخصصان پاتولوژی (آسیب‌شناسی) سیاسی - مذهبی کشور ما که جان خود را بر سر رفع این گونه بیماری‌ها گذاشت، شهید آیت الله دکتر بهشتی است. وی درباره این گونه مورد نظر از بیماری، این تئوری علمی ماندگار را ارائه کرد که: «نگویید انقلاب برای ما چه کرده است؛ بگویید ما برای انقلاب چه کردیم؟».

پیشینه ویروس

براساس فسیل‌های بدست آمده از عمق تاریخ، زن‌های اولیه این ویروس که بسیار مقاوم هستند، از ابتدای خلقت وجود داشته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد اولین نمونه آن، در وجود ابلیس قرار داشت که براساس تفاوت نژادی خود، نخواست به آدم سجد کند. او از ولی خود (خداآوند) به خاطر توهمندی برتر بودن نژاد، احساس طلبکاری می‌کرد. نمونه دیگری که یافت شده، در قوم بنی اسرائیل است که موسی را به جنگ فرستادند، تا سر سفره آماده آن بشینند. متأسفانه این ویروس رشد و تکثیر پیدا کرد. و امروزه انسان‌های بسیاری، حامل این ویروس هستند.

علائم اولیه: اگر بیمار، در ابتدای فعالیت این ویروس باشد، مرتب عبادت‌های فردی و اجتماعی خود را یادآوری می‌کند و احساس می‌کند باید به مقام بالای رسیده باشد؛ برای نمونه یک بیمار مبتلا در مرحله اول گمان می‌کند صرفًا پس از چند مرتبه شرکت در جلسه دعا یا حضور در مسجد جمکران باید به امام بسیار نزدیک شده باشد. و حتماً باید امام را ببیند. در فصول خاصی احتمال حساسیت به این ویروس بالا می‌رود مثلاً در ماه مبارک رمضان که بافت‌های معنوی بدن به تکثیر و توسعه می‌پردازند، احتمال دارد این بیماری گربان گیر افراد شود در این حالت، فرد پس از گذراندن احیای شب‌های قدر و توسل فراوان به ائمه و از جمله امام زمان ع تصور کند که چک سفید امضاء از امام گرفته است اگر این مرحله در افراد کنترل نشود و با پردازش ذهنی تقویت شود، بیمار به مرحله حاد می‌رسد. در مثال پیش اگر پس از مدت‌ها دعای ندبه خواندن، جمکران رفتن و... دعایش مستجاب نشود، یا امام را نبیند احساس می‌کند حقش ضایع شده است و امام نسبت به او ناچحتی کرده است.

اما مرحله نهایی که فرد را در آستانه مرگ معنوی قرار می‌دهد، در اثر شدت اتکای فرد به عبادتها یا دعا کردن یا هزینه کردن در راه امام زمان، پس از آن که به خواسته‌های خود نرسد، تمام آن کارها را ساده‌لوحی می‌خواند و پشیمان از زمان و هزینه‌ای که برای آن پرداخته است. آرزو می‌کند مانند بی‌خبران و غافلان و مخالفان به زندگی خود مشغول باشد.

راه‌های پیشگیری

از آن‌جا که این بیماری، بیشتر، محافل مذهبی و امام زمانی و دوستداران آن امام را مبتلا می‌کند، باید کاملاً به بهداشت فکری و ذهنی توجه کرد. بهترین واکسنی که برای آن وجود دارد و باید از ابتدای بلوغ با تزریق وریدی به تمام سلول‌های وجود برسد، آن است که بداند بر اساس قرآن، انسان، باید

خود را نشان دهید

نامه های شیان را سید

علی ناصر شویای جویباری، مازندران - طاهره خنجری، تهران - گوهر گرزین، گلستان - محمدداد اشی، قم - رباب مختاریان کازرونی، کازرون - معصومه نظری، کنگاور - جاسم حسنی، فومن - سیده شهلا شاهرخی، خرم آباد - محمد یگانه، خرم آباد - زهرا غلامیان، اصفهان - احمد حیدری سورشجانی، شهر کرد - مرضیه ارزانی، قم - احمد علی خوارزمی، بافت - معصومه کرباسیان، دلیجان - هاجر احمد یوسفی، جیرفت - مریم حسن پور، تبریز - نسترن کمالی صابر، سنتوج - زهرا خرسندی، سنتوج - سمیه کهریزی، کرمانشاه - زهرا کرکاشوند، کنگاور - علیرضا ارزانی، قم - مرتضی ادیب، تبریز فاطمه خارسان، زرین شهر - قاسم خیراندیش، آزران - زهرا نوری، خرم آباد - اسماعیل صفدریان، ملک شهر - منا طاهرخانی، تبریز - محمد احمدی، خرم آباد - حسن واحدی - اعظم فتاحی رعایا سره، زرین شهر - حسین رعد، ارومیه - بتول محمودی، شفت - داوود کاظمی، زرین شهر - مهری قاسمی، زرین شهر - محمد علی مومنی پور، قم - اکرم قاسمی، زرین شهر - فاطمه نجفی، قم - معین محمودی، شفت - فاطمه احمدی فرد، قم - جواد قهارپور کلوخی، مشهد مقدس - مجید کاظمی، زرین شهر - معصومه اعتمادی، قم - علیرضا حسین نسب، خرم آباد - نیلوفر سلیقه دار ایران، ارومیه - فاطمه محمودی، شفت - فاطمه ابراهیمی هوشیار، ارومیه - حمیده حجازی بخش، تهران - ابوالفضل ادهمی، میبد - سید زین العابدین یوسفی آبکسری، ساری - زلیخا علی سواری، تهران - عزت الله عبدی، هریس - زمان مظفرنژاد، هریس - سید محمد کاظم موسوی، قم - علیرضا ملک محمدی، زرین شهر - نیره سادات سجادی دارابی، قم - نجمه نصویری، ساری - حکیمه ساعی، تبریز.

جناب آقای مهدی قاسمی، (زرین شهر) - پروانه رهسپار، (خرم آباد) - مریم گیلانی، (جیرفت) - سیده راضیه مرتضوی، (شفت): پیشنهادات خوب و سازنده شما بدست ما رسید متظر پیشنهادات دیگر شما هستیم.

جناب آقای حسین آبادی (کنگاور): برای نامگذاری نشریه به امان دلایل متفاوت وجود دارد از جمله امام زمان (ع) می فرماید: ... این امان لأهل الأرض (اعلام الورى، ص ٤٥٢)، من امان اهل زمین آنچنان که ستارگان امان ساکنان آسمانند.

جناب آقای جواد قهارپور (مشهد): چقدر به نوجوانی مثل شما که عشق و دغدغه اش امام زمان (ع) است با تمام وجود می بالیم.

سرکار خانم موسوی (قم): تنها شعر شما بدست ما رسید، خواهشمندیم آن را بار دیگر به نظم بیشتری مزین فرماید و به همراه شعرهای دیگر تان برایمان بفرستید.

برگی از کلستان نامه ها

سیده فاطمه طاهری (خرم آباد): من از شماره ۳ با شما همراه شدم و از شما به خاطر مطالب زیبا و آموزنده تشکر می‌کنم.
مهدی شفیعی (کرمان): از زحماتی که برای تهیه این مجله متحمل می‌شوید سپاسگزارم امید است که زحمات شما مورد توجه امام زمان ع باشد.

طاهره چربی (قم): مطالب خیلی خوب در این نشریه خواندم و بسیار از مطالب آن بهره بردم اگر این مطالب با زبان ساده‌تر بیان شود خیلی خوب خواهد شد؛ از شما می‌خواهم درباره مدعیان مهدویت هم در مجله مطالبی بیاورید.

نوشته‌های ادبی شما:

تو آغاز طالع سیز امیدی تو با مایی
و ما مانده به راه تو پر از درد و تو من دانی
کرم پر من نیار ک قلم پر دلنه تار
که بی تو زندگی کشته بسی سرد و چر ظلمانی
به امید وصال تو لپاس یائس پر گشتم
کنون تاروز دیداروت من و شب های پارانی
لیلا ذوق‌اللتاری - انباء

کی؟ عشق همه جان به نیان می‌آیی؟

کی؟ پرده زماتاب و توان می‌آیی؟

کی؟ کرده غمث سرو، کمان می‌آیی؟

ای غیبت تو ناله جان سوز بیا

۵۹

تشکر ویژه: جناب آقای مرتضی جهانگیری (ارومیه) از پیشنهادات و دست شما سپاسگزاریم همیشه مجله خود را مورد ارزیابی قرار دهید.

دوستان عزیز مجله امانت!

اگر خوبی یا عیب و یا نبودن حسنی را دیدید
با ما در میان بگذارید.

منتظر نامه‌های شما هستیم.



احصار مهدویت

آیت الله العظمی بهجهت، شایعه دیدن رویای تولد قاتل امام عصر ع توسط خود را تکذیب کرد. در روزهای اخیر در برخی مناطق کشور شایع شده بود که آیت الله بهجهت هنگام وضوگرفتن بیهوش شده و پس از به هوش آمدن و جویا شدن حال ایشان، وی بیان می‌دارد، هم اکنون قاتل امام عصر ع به دنیا آمده و هنگام بیهوشی چهره او را در عالم رویا مشاهده کرده است. به دنبال انتشار این شایعه، حجت الاسلام فاطمی نیا از شاگردان آیت الله بهجهت در ملاقات با ایشان موضوع را مطرح و در خصوص صحت این شایعه سوال می‌کند. که آیت الله بهجهت بشدت موضوع این خواب را تکذیب کرده است.



آیت الله العظمی مکارم شیرازی، نسبت به سوء استفاده شیادان از اعتقادات مذهبی مردم هشدار داد و گفت: مردم خصوصاً نسل جوان باید مدعاوین دروغین مهدویت و شیادان فاسد را طرد کنند. برخی با برنامه به دنبال ترویج خرافات در جامعه هستند و برای پیشبرد اهداف خود از نام مقدس حضرت ولی عصر ع نیز سوءاستفاده می‌کنند. افرادی نیز با حقه بازی و دروغگویی زمان ظهور حضرت مهدی ع را مشخص و گاهی از مردم سوءاستفاده مالی می‌کنند. (در دیدار با زائرین مسجد مقدس جمکران)



آیت الله العظمی نوری همدانی: بایستی سال جاری که با نام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام گذاری شده، زمینه اتحاد میان همه مستضعفین بر علیه مستکبران مهیا شده تا بستر ظهور امام عصر ع فراهم شود. (دیدار با جمعی از بسیجیان)



حجت الاسلام والمسلمین قراتی: کسی که به نحو شایسته ای معارف غنی اسلامی را درک کند و با آن مأнос باشد، خود را از آموخته های غربی بی نیاز می کند. هر چه ایمان افراد قوی تر باشد، عظمت خدا در نزد او نیز بیشتر خواهد بود و در نتیجه شخص خود را در معرض معاصی الهی قرار نخواهد داد.



دکتر احمدی نژاد، با خطاب دانستن نظریه پایان تاریخ اظهار داشت: تاریخ حکومت صالحان فرا رسیده است و بشریت تولدی دوباره خواهد داشت و آن روز دیر نخواهد بود. (در افتتاحیه سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت)



روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز با درج گزارشی به بهانه سالروز میلاد امام مهدی ع، اعتقادات شیعی در این زمینه را با توجه به گرایشات سیاسی آمریکایی ها به چالش و تمسخر کشید.



مهدویت از دیدگاه ادیان با حضور جمعی از اندیشمندان ادیان مختلف در بانکوک پایتخت تایلند با همت سفارت جمهوری اسلامی ایران برگزار شد سفیر جمهوری اسلامی ایران در این همایش یکی از القاب حضرت مهدی ع را منجی و نجات دهنده انسانها ذکر کرد و گفت نجات از مفاهیم آرمانی بشریت بوده و انسانها همواره به امید نجات و رهایی در انتظار منجی بوده‌اند.



لَحْيَرْ مَهْدُوْيَة

دومین نمایشگاه طبیعه ظهور به مناسبت میلاد امام زمان ع به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم و با حضور مراکز فعال در عرصه مهدویت از جمله بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ع و مرکز تخصصی مهدویت در شبستان نجمه خاتون حرم حضرت مقصومه ع به مدت ۱۰ روز برگزار گردید در این نمایشگاه که با استقبال فراوان مجاوران و زایران حرم حضرت مقصومه ع روپروردش شامل غرفه‌های کودکان، پاسخ به شبهات، مدعیان دروغین، مسابقه معارف مهدوی، مسابقه اینترنتی و... بود که تلاشگران این عرصه آثار و فعالیتهای خود را در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دادند.

سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت با حضور شخصیتها کشور و جهان در سالن اجلاس سران به مدت سه روز به برگزار گردید.

بیستمین شماره فصلنامه علمی تخصصی انتظار با موضوع مهدویت پژوهی منتشر گردید. ۰۲۵۱-۷۷۳۷۸۰۱

غم‌های پی در پی:

هنوز چند روزی از اربعین آیت الله مشکینی نگذشته بود که آیت الله بنی فضل و علامه عسگری نیز جهان اسلام و شیعه را به فراق خود مبتلا نمودند. روحشان متعالی.

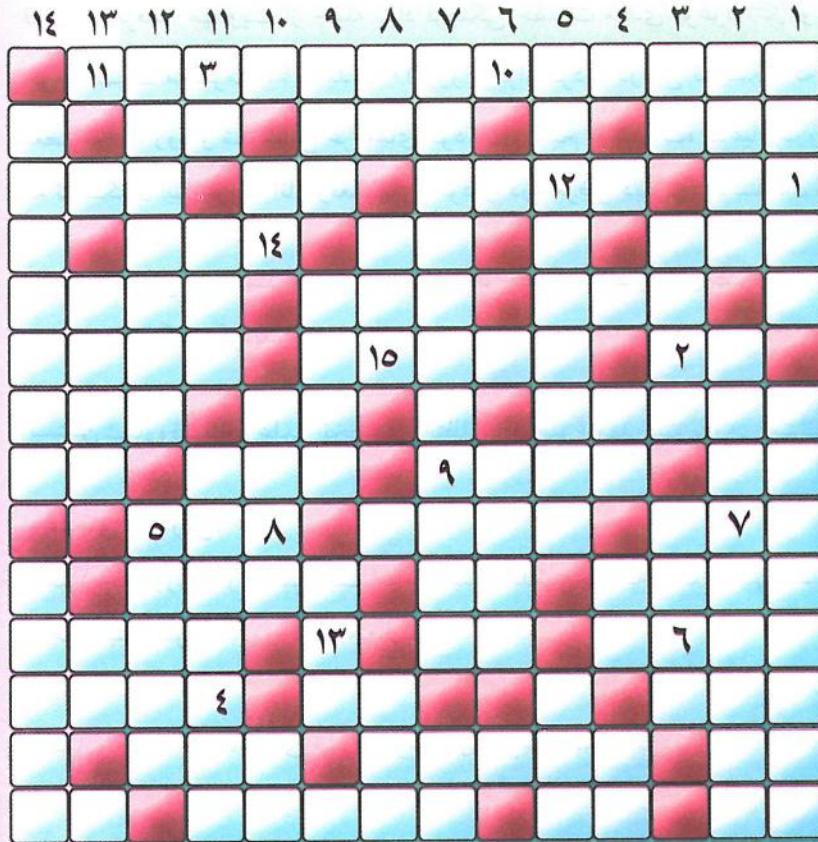
شماره جدید فصلنامه‌های مشرق موعود و الموعود منتشر گردید. ۰۲۵۱-۷۸۳۳۳۴۵

یک مدعی دروغین به دارمجازات آویخته شد. لازم به ذکر است این فرد جنایت کار در پرونده خود، قتل، اغفال افراد، تجاوز به نوامیس و اعتیاد داشته است.



حروف

طراح: محمدجواد کمار



افقی

- ۱- ماه نزول قرآن.
- ۲- نام کوہی در مکه- تلفظ حرف سی ام الفبای فارسی- قلب.
- ۳- علامت مفعول- جنگ- دریای عرب- داش.
- ۴- دستور و فرمان- پدر بزرگ- اولین پیامبر.
- ۵- نام چاهی در جهنم- از پیامبران الهی- آهسته.
- ۶- کج و ضد راست- به نرمی رفتار کردن- شنا.
- ۷- قندل در هم ریخته- علامت تعجب- روایی که باعث نجات حضرت موسی و یازنش شد.
- ۸- تکرار یک حرف - ادعای کشته و گویند - آزاد- از جدایها شکایت می کند.
- ۹- جمع آن اجال است- آب دهنه- شیرخوارگی به زبان عربی
- ۱۰- زبانه آتش- کوچکترین عدد سه رقصی- از میوه هایی که در شمال می کارند.
- ۱۱- بی همتا و بگانه- این سوره قلب قرآن است- پرواز کنندگ
- ۱۲- خانه پس از مرگ- از شهرهای ایران- جمع این
- ۱۳- برای ورود به خانه باید از آن داخل شوند- رزمایش- وسیله
- ۱۴- از شهرهای مذهبی- از ماههای سال- سورهای در قرآن که نام جنگی از جنگهای پیامبر ﷺ هم می باشد خدای ساختنی
- ۱۵- .

عمودی

- ۱۱- جمع آن اضداد است- وسیله درو- نام پدر گرامی امام علی علیه السلام.
- ۱۲- از سوره های بزرگ قرآن کریم- جانشینی.
- ۱۳- لقب پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم- واحد پول زاین.
- ۱۴- بیست و یکم ماه مبارک رمضان سالروز شهادت این معصوم است- جمع آن کرامات است.

با گنار هر قرار دادن حروف خانه هایی که شماره دارند. رمز جدول را بیابید و تا تاریخ ۸۶/۸/۱۰ به آدرس نشریه ارسال مایید تا به قید قرعه جایزه بگیرید.
رمز جدول شماره ۶:
جهان در انتظار عدالت، عدالت در انتظار مهدی
برند گان مسابقه قبل:
۱- مهری قاسمی (زدین شهر)
۲- نجمه نصوصی (ساری) ۳- محمد کامران (اصفهان)

- ۱- مکان امام جماعت در مسجد- شباهی معروف این ماه مبارک است.
- ۲- نام اقیانوسی است- نام همسر گرامی پیامبر که در روز دهم ماه مبارک رمضان از دنیا رفت.
- ۳- علامت جمع در فارسی- منسوب به روم- واحدی در وزن.
- ۴- رطوبت- از حروف اضافه- ضد جزر است.
- ۵- اولین قبله گاه مسلمانان- نظر و عقیده.
- ۶- گناهکار.
- ۷- مناسبت آخرین جمعه ماه مبارک رمضان است.
- ۸- علامت تعجب.
- ۹- ویتامینی است- نزدیک نیست- حرب در هم ریخته.
- ۱۰- فلزی است- قاضی- فرو بردن خشم.
- ۱۱- ضمیر جمع- وحشی نیست- تکرار یک حرف.

مسابقه

با مطالعه دقیق مطلب، به سوالات ذیل پاسخ داده و در مسابقه شرکت کنید.

مولت ارسال تا تاریخ ۸۹ / ۸ / ۱۰

تحصیلات	نام خانوادگی
کد شناسی	تلفن
شغل	پست الکترونیک
کد پستی	نشانی دین پستی

خواننده گرامی!

- شما می توانید با استفاده از این برگه:
- نشریه خودتان را ارزیابی کنید.
- پاسخ جدول و مسابقه را برایمان ارسال کنید.
- مطلوب زیباییتان را برای ما بفرستید.

۱- این حدیث از کدام معصوم علیله است؟

در زمان امام مهدی علیله مال خرمن شود هرگز نزد امام مهدی علیله آید و بگوید به من مالی ده امام مهدی علیله بی درنگ بگوید بگیر.

(الف) امام صادق علیله ب) پیامبر اکرم علیله ج) امام علی علیله

۲- ترجمه صحیح این حدیث چیست؟ «المهدی سمح بالمال

(الف) مهدی علیله مالها را به وفور می بخشد.

(ب) مهدی علیله مهربانی است که به وفور می بخشد.

(ج) مهدی علیله بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد.

۳- این حدیث حضرت ولی عصر علیله را کامل کنید؟ انا خاتم

..... و بی یدفع الله عن

(الف) الانبياء- اهلي و شيعتي ب) الاوصياء- اهلي

ج) الاوصياء- اهلي و شيعتي

۴- کدام روایا از روایاهای زیر در قرآن آمده است؟

(الف) روایی حضرت ابراهیم علیله ب) روایی پیامبر اکرم علیله

ج) هر دو

۵- قرآن برای شناساندن افراد خوب و وارسته از چه راههایی

استفاده کرده است؟

(الف) معرفی با اسم، معرفی با عدد ب) معرفی با ویژگی و

صفت ج) گزینه الف و ب

۶- خداوند چه وعده هایی به مؤمنان صالح داده است؟

(الف) گسترش دین در تمام زمین علیله

ب) از میان رفتن جلوه های شرک و نفاق ج) هر دو

۷- امام کاظم علیله در تفسیر آیه شریفه «یحیی الارض بعد موتها» چه

فرموده است؟

(الف) خداوند زمین را با باران زنده می کند. و زمین سبز می شود

(ب) خداوند مردانی بر می انگیزاند که زمین را با زنده کردن عدل و

اقامه حد در آن زندگی می بخشنند.

ج) هر دو

۸- شهر کوفه چه ویژگیهایی دارد؟

(الف) مرکز خلافت علوی و حکومت مهدوی

ب) کوفه به قبة الاسلام معروف شده ج) هر دو

۹- واژه ذکر در قرآن کریم (آیه ۱۰۵ سوره انبیاء) به کدام کتاب

آسمانی اشاره دارد؟

(الف) زبور حضرت داود علیله ب) قرآن کریم ج) تورات

حضرت موسی علیله

۱۰- شب قدر طبق روایت پیامبر اکرم علیله مربوط به چه زمانی

است؟

(الف) مربوط به زمان پیامبران است ب) مربوط به زمان پیامبر

اکرم علیله است ج) تا قیام قیامت وجود دارد

بسمه تعالیٰ

فراخوان

نشریه امان برای شمارگان بعدی خود در موضوعات ذیل از تمام نویسندها ، هنرمندان و علاقه مندان به ساحت مقدس امام مهربانمان علیهم السلام یاور افتخاری می پذیرد:

برخی محورهای پیشنهادی

وظایف منتظران

امام مهدی صلی اللہ علیہ وسالم در قرآن

امام مهدی صلی اللہ علیہ وسالم در میان شیعه و اهل سنت

غرب و مهدویت

تربیت نسل منتظر

معرفت امام عصر صلی اللہ علیہ وسالم

زندگی امام عصر صلی اللہ علیہ وسالم

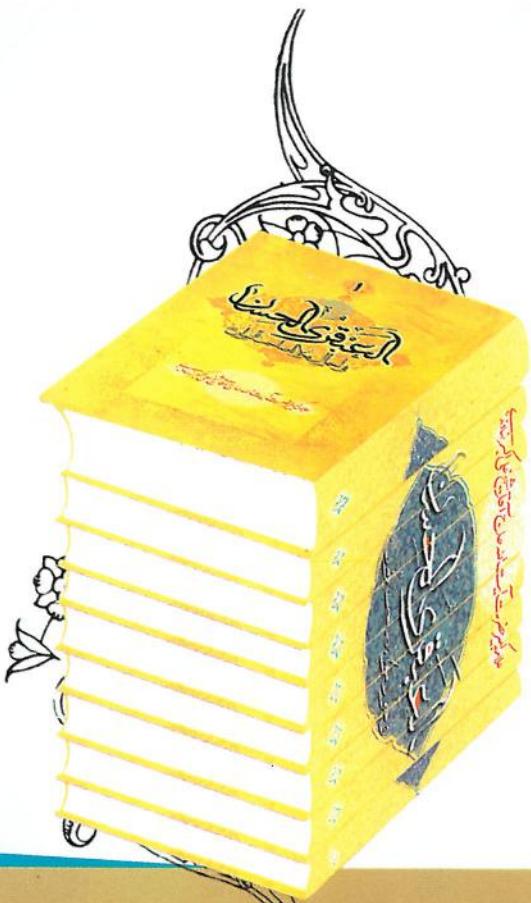
مهدویت و آسیب ها

آثار هنری در عرصه آخر الزمان و مهدویت

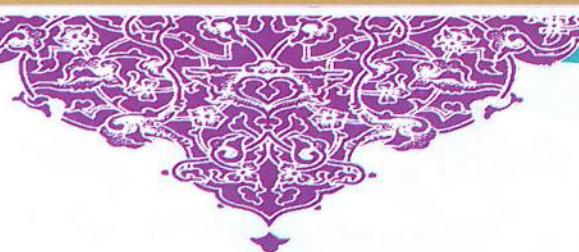
و ...

شما می توانید نوشه ها و اشعار، طراحی ها ، اندیشه ها و هر آنچه مناسب نشریه خودتان می دانید به ما پیشنهاد داده، برای ما ارسال کنید.

آدرس: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / کوچه آمار / مرکز تخصصی مهدویت
دفتر نشریه امان / تلفکس: ۰۲۵۱ - ۷۸۳۲۵۰۰



پس از نیم قرن انتظار
کتاب شریف العبرقی الحسان
فی احوال مولانا صاحب الزمان
تحقیق تصحیح و چاپ گردید.



ویژه پژوهشگران مباحث مهدویت و کتابخانه های تخصصی

انتشارات مسجد مقدس جمکران
تلفن: ۰۲۵۱-۷۲۵۳۴۰

WWW.aman.ir

تلفکس نشریه امان: ۰۲۵۱-۷۸۳۵۰۰